



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	وزارت آموزش و پرورش	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره ۲۸۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۱۰ بخشنامه شماره ۲۰/۷۱۰-۱۴۰۰/۵/۱۲ وزارت آموزش و پرورش که متضمن شرکت نیروهای آموزشی اینارگر در دوره مهارت‌آموزی یک ساله جهت استخدام به صورت رسمی قطعی است از تاریخ تصویب ابطال شد
۴	شورای عالی مالیاتی	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره ۲۸۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: مفاد رای شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷-۱۳۷۱/۱۲/۲۶-شورای عالی مالیاتی به‌عنوان مقرر مقرر در پرونده شکایت در پرونده منتج به‌صورت رای شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۹۰۴-۱۴۰۰/۷/۲۵ هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری صرفاً در بازه زمانی صدور رای مزبور شورای عالی مالیاتی تا زمان لازم‌الاجرا شدن ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ واجد اعتبار حقوقی و صحیح بوده و پس از لازم‌الاجرا شدن ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ حیات حقوقی آن خاتمه یافته و قابل اجرا نیست
۶	هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره ۲۸۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: مصوبه جلسه شماره ۱۳۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور که علی‌الاطلاق دارا بودن مدرک تحصیلی را شرط برخورداری از فوق‌العاده فنی اعلام کرده، فارغ از برخورداری از مدرک تحصیلی مربوطه، اعمال آن در قرارداد یا حکم اشخاص نیز لازم دانسته شده است ابطال شد
۸	شوراهای اسلامی استانداری گیلان	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره ۲۸۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: نامه شماره ۱۷۵۶/۴۲/۸۰/۹۸-۱۳۹۸/۷/۹ مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای اسلامی استانداری گیلان که متضمن تجویز تبدیل وضعیت کارگران دارای قرارداد موقت به قرارداد کارمندی است از تاریخ تصویب ابطال شد
۹	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره ۲۸۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: قسمت اخیر از بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور که براساس آن مقرر شده است که: «... در مواردی که مالیات و عوارض مالیات بر ارزش افزوده توسط پیمانکار از کارفرما وصول شده باشد، ادارات امور مالیاتی می‌بایست نسبت به مطالبه مالیات و عوارض دریافتی در صورت عدم واریز به حسابهای سازمان امور مالیاتی کشور برابر مقررات اقدام نمایند
۱۰	سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره‌های ۲۸۳۲ الی ۲۸۳۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: نامه شماره ۱۰۹/۸۴۶۱-۱۰۹/۲۴ ص پ - ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ رئیس واحد کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی که ملاک محاسبه مزایای پایان کار را مزد مبنا یا ثابت اعلام کرده ابطال شد
۱۱	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره ۲۸۳۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: حکم مقرر در نامه شماره ۶۹۱۹۰۴-۱۳۹۵/۶/۲ رئیس امور مدیریت مشاغل و دبیرخانه شوراها در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که براساس آن رزمندگان و آزادگانی که سه سال تمام به صورت متوالی و یا متناوب سابقه حضور در جبهه یا اسارت داشته باشند مجاز به استفاده از مأموریت آموزشی هستند ابطال شد
۱۲	شورای اسلامی شهر شیراز	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره ۲۸۳۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۱۵ و بند ۲۰ و تبصره‌های ۹ و ۱۰ مصوبه شماره ۱۳۹۳/۱۱/۹-۹۳/۵۸۴۸ ص شورای اسلامی شهر شیراز ابطال شد
۱۵	شهرداری شهر کوهسار شورای اسلامی شهر کوهسار	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رای شماره ۲۸۴۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۴ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری شهر کوهسار تحت عنوان عوارض برای ارزش افزوده تغییر کاربری (پیلوت، پارکینگ و انباری) پس از ابقاء توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ و بند ۵ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری شهر کوهسار تحت عنوان ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری مصوب شورای اسلامی شهر کوهسار از تاریخ تصویب ابطال شد

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۰۰۰۲۲۹۹

۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۸۲۶ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با موضوع: «بند ۱۰ بخشنامه شماره ۱۴۰۰/۵/۱۲ - ۲۰/۷۱۰ وزارت آموزش و پرورش که متضمن شرکت نیروهای آموزشی ایثارگر در دوره مهارت آموزی یک ساله جهت استخدام به صورت رسمی قطعی است از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۲۶ شماره پرونده: ۰۰۰۲۲۹۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای شاهپور صوفي

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱۰ بخشنامه شماره ۱۴۰۰/۵/۱۲ - ۷۱۰/۲۰

وزارت آموزش و پرورش

گردش کار: شاکي به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال بند ۱۰ بخشنامه

شماره ۱۴۰۰/۵/۱۲ - ۷۱۰/۲۰ وزارت آموزش و پرورش را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" به استحضار می رساند تبصره ماده ۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ مقرر داشته که: (خانواده های معظم شهدا و ایثارگران و همسران جانبازان، تابع قانون خاص خود هستند.) و نیز تبصره ۲ از بند (و) ماده ۴۴ قانون پنجم توسعه (اصلاحی ۱۳۹۰/۱۱/۱۸) مختصراً اذعان داشته که: (کلیه دستگاهها موظفند که رزمندگان، جانبازان، آزادگان و همسران و فرزندان آنان را، بدون الزام به رعایت شرط سنی، تحصیلی، معدل و آزمون و با احراز شرایط عمومی گزینش، با هماهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران از همان ابتدا، به صورت رسمی قطعی استخدام نمایند.)

همچنین به استناد بند (ح) ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴: (ایثارگران و فرزندان شهدا، مشمول قوانین، مقررات و ضوابط استخدامی خاص خود بوده و کلیه دستگاههای مشمول ماده ۲ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، مکلف به انجام آن هستند.)

مضافاً اینکه در بند (د) از تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسید، عبارت (عناوین مختلف) درج شده است که این عبارت بیانگر وسیع بودن دامنه مشمول آن می باشد و نشان می دهد که شامل معلمان حق التدریس نیز می شود، همچنین در بند (د) از تبصره ۲۰ قانون موصوف عبارت (با رعایت تبصره ۲ از بند (و) ماده ۴۴ قانون پنجم توسعه) درج شده است. وزارت آموزش و پرورش (به زعم خود) در راستای اجرای بند (د) تبصره ۲۰ قانون بودجه کل کشور سال ۱۴۰۰ در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۱۲ یک فقره بخشنامه به شماره ۷۱۰/۲۰ به ادارات کل آموزش و پرورش استانهای کشور ابلاغ نمود که در بند ۱۰ از بخشنامه مذکور آن وزارتخانه اقدام به تضييع حقوق معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی (عضو خانواده شهدا و ایثارگران) شده است. از آنجایی که سالهاست معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی، در نقاط محروم کشور به امید تبدیل وضعیت در حال خدمت هستند در سال ۱۳۹۷ قانونی تحت عنوان (قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش) تصویب شد که آن وزارتخانه را ملزم کرد که این معلمان حق التدریس قبل از سال ۱۳۹۲ را پس از طی یک دوره یک ساله دانشگاه فرهنگیان و قبولی در آزمون تا پایان برنامه ششم توسعه، به صورت (پیمانی) استخدام نماید و در تبصره ماده ۷ همان قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ نیز عنوان شده بود که (خانواده های معظم شهدا و ایثارگران و همسران جانبازان تابع قانون خاص خود می باشند.)

به علت تاخیر و تعلل آن وزارتخانه در اجرای دوره یک ساله دانشگاه فرهنگیان معلمان حق التدریس که سالها سابقه تدریس دارند هنوز دوره یک ساله کلیه معلمان موصوف به صورت کامل به اتمام نرسیده است و قرار است که تا پایان سال ۱۴۰۰ به پایان برسد. اینک بنده معتقدم که در بند ۱۰ از بخشنامه شماره ۷۱۰/۲۰ - ۱۴۰۰/۵/۱۲ وزارت آموزش و پرورش حقوق آن دسته از معلمان حق التدریس که از اعضای خانواده معظم شهدا و ایثارگر و دارای سالها سابقه تدریس هستند، تضييع شده است لذا بنا به دلایل زیر تقاضای ابطال آن را دارم تا بدین وسیله آن دسته معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی که از اعضای خانواده معظم شهدا و ایثارگران هستند، به حقوق قانونی خود برسند و به تبعیت از قوانین موجود این معلمان نیز مانند دیگر شاغلین سایر وزارتخانه ها از تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ به وضعیت (رسمی قطعی) تبدیل وضعیت شوند:

۱- به استناد تبصره ماده ۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ و نیز تبصره ۲ بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه و همچنین بند (ح) ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه و نیز بند (د) تبصره ۲۰ قانون بودجه ۱۴۰۰ مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است واضح و مشخص است که خانواده های شهدا و ایثارگران تابع قوانین خاص خود هستند و قانونگذار دستگاههای مشمول را موظف کرده که (بدون الزام به رعایت شرط آزمون، نسبت به استخدام آنها به صورت رسمی قطعی اقدام نمایند) ولی متأسفانه وزارت آموزش و پرورش در بند ۱۰ از بخشنامه صدرالاشارة از اجرای آن مصوبات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی، استنکاف کرده و با استناد به تبصره ۴ ماده واحده مصوبه شماره ۸۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، برای معلمان حق التدریس از خانواده شهدا و ایثارگر شرط (قبولی در آزمون) را تعیین کرده است، این در حالی است که قانونگذار دارندگان سهمیه خانواده شهدا و ایثارگران را مستثنی قرار داده است و از شرط (قبولی در آزمون) معاف کرده است.

۲- وفق استنادات قانونی پیش گفته وزارتخانه مزبور مکلف است که از ابتدای سال ۱۴۰۰ نسبت به استخدام رسمی قطعی معلمان حق التدریس دارای سهمیه خانواده شهدا و ایثارگر اقدام نماید، ولی آن وزارتخانه با استنکاف از قوانین مذکور تبدیل وضعیت آنها را به بعد از اتمام دوره مهارت آموزی و به بعد از قبولی در آزمون، یعنی به انتهای سال ۱۴۰۰ موکول کرده است که این اقدام وزارتخانه مذکور در تضاد با نصوص قانونی پیش گفته است و بدین طریق موجبات تضييع حقوق معلمان حق التدریس (دارای سهمیه خانواده شهدا و ایثارگران) را فراهم آورده است، معلمانی که سالیان سال در نقاط دور افتاده و محروم و بعضاً مناطق صعب العبور تدریس کرده اند.

۳- به استناد تبصره ماده ۷ بخشنامه شماره ۱۳۷۵۸ - ۱۴۰۰/۳/۱۹ سازمان اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه بودجه کشور کلیه دستگاههای اجرایی (در صورت وجود ابهام در خصوص انطباق افراد از نظر ایثارگری با مصادیق عنوان شده در ماده ۲۱ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، احراز شرایط توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران و سازمان رزمندگان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (حسب مورد) صورت خواهد گرفت.) لذا چنانچه وزارت آموزش و پرورش در تبدیل وضعیت معلمان حق التدریس عضو خانواده شهدا، ایثارگر، شک و تردید داشت شایسته بود که از بنیاد شهید و سازمان رزمندگان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (حسب مورد) استعلام می نمود ولی آن وزارتخانه در بند ۱۰ بخشنامه شماره ۷۱۰/۲۰ خود بدون اخذ استعلام جهت رفع شبهه موجبات تضييع حقوق معلمان حق التدریس (عضو خانواده شهدا و جانبازان و ایثارگران) را فراهم آورده است. اینک چون این اقدام آن وزارتخانه در تضاد با مواد قانونی صدرالاشارة است حال بنا به مراتب فوق در جهت استیفای حقوق آن دسته از معلمان موصوف و در راستای اجرای مصوبات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی تقاضای ابطال بند ۱۰ از آن بخشنامه وزارت آموزش و پرورش را (از تاریخ تصویب) دارم."

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

"بخشنامه شماره ۷۱۰/۲۰ - ۱۴۰۰/۵/۱۲ وزارت آموزش و پرورش

اداره کل آموزش و پرورش استان...

سازمان / معاونت / مرکز / اداره کل / دفتر...

دانشگاه شهید رجایی / دانشگاه فرهنگیان / کنون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با سلام و احترام

پیرو بخشنامه شماره ۷۱۰/۴۴ - ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ و در راستای اجرای تکلیف بند (د) تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور و به منظور استخدام و نیز تبدیل وضعیت استخدامی ایثارگران موضوع قانون فوق، تصویر بخشنامه شماره ۱۳۷۵۸ - ۱۴۰۰/۳/۱۹

آزاده صرفاً از شرط جنسیت، سن، تحصیلی، معدل و آزمون معاف می‌باشند. بدیهی است شروط مزبور حصری بوده و سایر معافیتها از جمله طی نمودن دوره مهارت آموزی مورد تصریح قرار نگرفته است. بنابراین قانونگذار درصدد بیان معافیت از شرایط مصرح بوده و این موضوع نافی رعایت شرایط غیرمصرح از قبیل برگزاری دوره مهارت آموزی نمی‌باشد. قاعده «اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند» موید این موضوع است.

در ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران که به موجب بند (ذ) ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه اصلاح گردیده به صراحت استخدام خانواده‌های ایثارگر را منوط به رعایت ضوابط، مجوزات مربوطه و جایگزینی در قبال نیروهای خروجی نموده است، بنابراین تبدیل وضعیت این نیروها منافاتی با رعایت قوانین و مقررات جاری از جمله رعایت طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان و انجام دوره مهارت آموزی نخواهد داشت. در بند ۱۰ بخشنامه شماره ۷۱۰/۲۰ رعایت بومی‌گزینی نیز مورد تصریح قرار گرفته شده که این موضوع به صراحت در قانون اصلاح ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مورد تصریح قرار گرفته و لذا نیازی به تبیین موضوع احساس نمی‌گردد. برابر ماده واحده قانون اصلاح ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۹۹/۱۶/۶ که از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است. همچنین برابر تبصره ۴ ماده واحده نحوه جذب منابع انسانی در مشاغل آموزشی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش که در جلسه ۸۳۳ - ۱۳۹۹/۸/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش به تصویب رسیده و در حکم قانون است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس بند (د) تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ مقرر شده است که: «در راستای اجرای بند (ذ) ماده ۸۷ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دستگاههای مشمول ماده ۲ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مکلفند نسبت به استخدام و نیز تبدیل وضعیت استخدامی کلیه مشمولان ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران که با عناوین مختلف در دستگاههای موضوع قانون مذکور شاغل هستند و رابطه شغلی آنها به صورت پیمانی، قراردادی، کار معین یا شرکتی می‌باشد و یا از محل اعتبارات جاری و تبصره ماده ۳۲ و ماده ۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و اعتبارات طرحهای عمرانی و یا سایر عناوین از جمله حاکمیتی و تصدی‌گری موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری خدمت نموده و یا می‌نمایند با طی مراحل گزینش با رعایت تبصره ۲ بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ به صورت استخدام رسمی اقدام نمایند. اعتبار مورد نیاز این حکم از محل ردیف ۸۸ - ۵۵۰۰۰۰ به مبلغ پنج هزار میلیارد (۵۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در اختیار دستگاههای اجرایی ذیربط قرار می‌گیرد.» ثانیاً: براساس تبصره ۲ بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران اصلاحی مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ نیز: «رزمندگان با حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه، جانبازان، آزادگان و همسران شهدا، جانبازان و آزادگان فرزندان شاهد و جانباز و آزاده از شرط جنسیت برای استفاده از سهمیه استخدامی معاف و دستگاههای مشمول این قانون موظفند بدون الزام به رعایت شرط سنی، تحصیلی، معدل و آزمون و با احراز شرایط عمومی گزینش با هماهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران و از ابتدا، آنان را به صورت رسمی قطعی استخدام نمایند.» با توجه به احکام مقرر در موازین قانونی فوق، ایثارگران جهت استخدام به صورت رسمی قطعی صرفاً ملزم به احراز شرایط عمومی گزینش بوده و از هرگونه آزمون استخدامی معاف هستند و بر همین اساس، بند ۱۰ بخشنامه شماره ۷۱۰/۲۰ - ۱۴۰۰/۵/۱۲ وزارت آموزش و پرورش که متضمن شرکت نیروهای آموزشی ایثارگر در دوره مهارت آموزی یک ساله جهت استخدام به صورت رسمی قطعی است، خارج از حدود اختیار و مغایر با قوانین فوق‌الاشعار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

سازمان اداری و استخدامی کشور ارسال و اعلام می‌دارد: مشمولین قانون تفسیر بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۷ سابقاً بر اساس بخشنامه شماره ۷۱۰/۴۴ - ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ حسب مورد تبدیل وضعیت یا استخدام (رسمی - قطعی) شده‌اند. با توجه به صراحت قانون مذکور اعتبار مورد نیاز این حکم از محل ردیف ۸۸ - ۵۵۰۰۰۰ به مبلغ پنج هزار میلیارد ریال در اختیار دستگاههای اجرایی ذیربط قرار می‌گیرد، ضروری است مدیرکل آموزش و پرورش استان ریز فهرست کامل مشمولین اجرای این قانون را به همراه برآورد هزینه هر یک جهت اعلام به سازمان برنامه و بودجه کشور به منظور تعیین سهم وزارت متبوع از مبلغ مذکور و دریافت تخصیص از ردیف بودجه مصرحه به دفتر برنامه، بودجه و مدیریت منابع اعلام نمایند. در ضمن موارد ذیل جهت اجرا ابلاغ می‌شود:

.....

۱۰- حسب تبصره ۲ ماده ۲ بخشنامه صدرالاشاره سازمان اداری و استخدامی کشور، پیرامون رعایت مقررات خاص این وزارت در خصوص نیروهای آموزشی مشمول قانون، علاوه بر لزوم رعایت نیاز بوم (استان، شهرستان، منطقه، ناحیه) برای استخدام مشمولان در مشاغل آموزشی و تربیتی، شرکت در دوره مهارت آموزی یک ساله (صرفاً برای نیروهای آموزشی) الزامی است و می‌بایست از افراد تعهد خدمت (برای کل مدت خدمت دولتی) موضوع تبصره ۴ ماده واحده مصوبه شماره ۸۳۳ - ۱۳۹۹/۸/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی اخذ گردد. - معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی، املاک و حمایت قضایی وزارت آموزش و پرورش به موجب لایحه شماره ۸۱۰/۱۶۲۰۸۸ - ۱۴۰۰/۹/۲۰ توضیح داده است که:

«در راستای اجرای تکلیف مندرج در اصول ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی که صدور بخشنامه‌های اداری در زمره مسئولیت‌های هر یک از وزرا قرار گرفته، مقام عالی وزارت آموزش و پرورش در حدود وظایف خویش و با اختیارات تجویزی، بخشنامه شماره ۷۱۰/۲۰ - ۱۴۰۰/۵/۱۲ (پیرامون استخدام مشمولین ایثارگر) را صادر نموده است. بنابراین اقدام مزبور با پشتوانه تقنینی و عدم تبعیض بین اشخاص با شرایط یکسان و توجه به مقررات مندرج در بندهای بعدی صورت گرفته است. در بند ۱۰ بخشنامه موضوع ابطال که در راستای اجرای دستورالعمل نحوه اجرای بند (د) تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ موضوع بخشنامه مشترک شماره ۱۳۷۵۸ - ۱۴۰۰/۳/۱۹ سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه کشور صادر شده است، صرفاً نیروهای آموزشی که مشمول طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان هستند می‌بایست دوره مهارت‌آموزی بدو استخدام را طی نمایند و این موضوع به نیروهای اداری تسری نخواهد داشت. (دلیل این موضوع متعاقباً تبیین می‌گردد). مستند به تبصره ۲ ماده واحده نحوه جذب منابع انسانی در مشاغل آموزشی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش مصوب جلسه ۸۳۳ - ۱۳۹۹/۸/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی که در حکم قانون است، افرادی که به استناد یکی از قوانین و مقررات موضوع با واحدهای دولتی آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش همکاری کرده‌اند ملزم به گذراندن دوره مهارت آموزی یکساله خواهند بود.

به موجب ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مواد مربوطه استخدام و به کارگیری نیروی انسانی در دستگاههای اجرایی کشور به صورت پیمانی یا رسمی مستلزم تحقق کلیه موارد ذیل می‌باشد:

(الف) کسب مجوزهای استخدامی از سازمان امور اداری و استخدامی کشور

(ب) برگزاری آزمون به صورت فراگیر به نحوی که فرصت‌های برابر شغلی برای آحاد جامعه رعایت شود.

(ج) تأیید گزینش (عمومی)

بنابراین اعطای مجوز جهت استخدام یا تبدیل وضعیت مشمولین ایثارگر، نافی اجرای مقدمات قانونی آن اعم تأییدیه گزینش و شرکت در دوره آموزشی نخواهد بود. با نگاهی به بند (د) تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ به هیچ وجه معافیت از طی دوره کارآموزی مورد تقنین قرار نگرفته است برابر نص مزبور «در راستای اجرای بند (ذ) ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه، دستگاههای مشمول ماده ۲ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مکلفند نسبت به استخدام و نیز تبدیل وضعیت استخدامی کلیه مشمولان ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران که با عناوین مختلف در دستگاههای موضوع قانون مذکور شاغل هستند. در تبصره ۲ قانون اصلاح بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ صرفاً فرزندان شاهد و جانباز و

شماره ۰۰۰۵۴۹

۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۸۲۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با موضوع: «مفاد رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷-۱۳۷۱/۱۲/۲۶ شورای عالی مالیاتی به عنوان مقرر مقرر در پرونده منتج به صدور رأی شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۹۰۴-۱۴۰۰/۷/۲۵ هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری صرفاً در بازه زمانی صدور رأی مزبور شورای عالی مالیاتی تا زمان لازم‌الاجرا شدن ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ واجد اعتبار حقوقی و صحیح بوده و پس از لازم‌الاجرا شدن ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ حیات حقوقی آن خاتمه یافته و قابل اجرا نیست.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۲۷ شماره پرونده: ۰۰۰۵۴۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای بهمن زبردست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ - ۱۳۷۱/۱۲/۲۶

شورای عالی مالیاتی

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ -

۱۳۷۱/۱۲/۲۶ شورای عالی مالیاتی را خواستار شده است و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" به استحضار می‌رساند در رأی اکثریت شورا مقرر شده «در فصل مالیات بر ارث قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه بعدی ضمن مادتين ۳۸ و ۳۹ احکام مربوط به مالیات بر درآمد موقوفات خاص بیان شده است و از بند (الف) ماده ۳۸ و صدر ماده ۳۹ قانون مذکور استنباط این است که مالیات متعلق به موقوفات خاص که دارای متولی هستند از مآخذ کل درآمد به شرح ماده ۱۳۱ با ذکر مشخصات موقوفه از متولی با لحاظ مفاد تبصره ۲ ماده ۳۸ یاد شده مطالبه و وصول خواهد شد.» بند (الف) ماده ۳۸ مورد استناد اکثریت شورا تا پیش از اصلاح قانون در سال ۱۳۹۴ مقرر کرده بود «در مورد وقف و حبس، منافع مال هر سال مشمول مالیات به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود.» پس از اصلاح ماده ۳۸ نیز متن آن به این صورت شد که «منافع مالی که مورد وقف و حبس است، اشخاص منتفع از منافع به استثنای اشخاص مذکور در بند ۳ ماده ۲۴ این قانون نسبت به منافع هر سال مشمول مالیات بر درآمد خواهد بود.» بنابراین از آنجا که متن پیش از اصلاح تنها حکم به شمول مالیات منافع وقف به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ کرده و هیچ گونه تصریحی به مطالبه مالیات به مآخذ کل درآمد یا نرخ ماده ۱۳۱ نداشته متن اصلاح شده هم با تصریح به شمول مالیات بر درآمد به منافع مالی اشخاص منتفع، مغایرت بیشتری با این رأی شورای عالی مالیاتی دارد. لذا به نظر می‌رسد که رأی مورد اعتراض، از باب حکم به محاسبه و مطالبه مالیات از مآخذ کل درآمد موقوفات خاص و نه منافع هر یک از منتفعین به صورت جداگانه هم با متن پیش از اصلاح ماده ۳۸ و هم با متن قانونی آن مغایر است. اصولاً نیز اخذ مالیات مضاعف از منتفعین موقوفات خاص به دلیل مطالبه مالیات از کل منافع موقوفه که موجب محاسبه مالیات با نرخ‌های بالاتر جدول ماده ۱۳۱ می‌شود مغایر با عدالت مالیاتی است و هم محاسبه یک جای مالیات منتفعین که ممکن است میزان انتفاعشان از درآمد موقوفات خاص نیز یکسان نباشد، به دلیل شمول نرخ واحد مالیاتی بر منافع این افراد که در صورت محاسبه قانونی و جداگانه منافعشان مشمول نرخ‌های متفاوتی از جدول ماده ۱۳۱ می‌شدند، ناعادلانه، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان امور مالیاتی و شورای عالی مالیاتی آن است. در پایان عرایض ضمن یادآوری اینکه در زمان صدور رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ آراء شورای عالی مالیاتی جهت اجرا نیز به تنفیذ وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور نداشته، لذا چنین آرای ه هنوز توسط سازمان امور مالیاتی اجرا می‌شود.

متن مقرر مقرر در شکایت به شرح زیر است:

" رأی شورا: شماره: ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ - ۱۳۷۱/۱۲/۲۶

پیوست:

گزارش شماره ۱۸۹۶ - ۵/۳۰ - ۱۳۷۱/۵/۲۸ دفتر فنی مالیاتی راجع به نحوه تعیین مالیات وقف خاص، عنوان مقام معاونت درآمدهای مالیاتی حسب ارجاع آن مقام در جلسه

مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح است. گزارش مزبور مشعر بر ارائه نظریات مختلف زیرین در این خصوص می‌باشد: «الف - با عنایت به حکم کلی ماده ۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم و بند الف آن و نیز ماده ۳۹ قانون مذکور، مالیات مربوط به وقف خاص می‌باید از مآخذ کل درآمد به نرخ ماده ۱۳۱ تعیین و از متولی مطالبه گردد. الف - مطالبه مالیات باید از متولی به عمل آید، لیکن در محاسبات مالیاتی، درآمد موقوفه بین موقوف علیهم تقسیم و نسبت به سهم هر موقوف علیه مالیات جداگانه محاسبه گردد. ب - نظر به اینکه به موجب ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است، از طرفی موقوفات خاص عموماً به منظور تقسیم سود ایجاد نشده اند، اینگونه موقوفات مشمول مقررات بند (ب) ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم خواهند بود. ب - مالیات موقوفات خاص بلحاظ اینکه دارای شخصیت حقوقی می‌باشند، باید براساس مقررات بند (د) ماده ۱۰۵ مذکور با رعایت سایر جهات قانونی محاسبه و وصول گردد. ضمناً نسبت به سنوات عملکرد منتهی به سال ۱۳۶۷ با ملحوظ داشتن مواد ۵۱ و ۱۸۴ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و باتوجه به موخر بودن تاریخ تصویب ماده ۳ فوق الاشعار نسبت به آن به نظر می‌رسد که احتساب مالیات این دسته از موقوفات براساس فصل مالیات بردرآمد اشخاص حقوقی وفق مقررات قانونی خواهد بود.» هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی پس از شور و بررسی پیرامون نظرات ابرازی دفتر فنی مالیاتی، در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم بشرح آتی در این باره اعلام رأی می‌نماید: رأی اکثریت در فصل مالیات برارث قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه بعدی ضمن مادتين ۳۸ و ۳۹ احکام مربوط به مالیات بردرآمد موقوفات خاص بیان شده است و از بند (الف) ماده ۳۸ و صدر ماده ۳۹ قانون مذکور استنباط این است که مالیات متعلق به موقوفات خاص که دارای متولی هستند از مآخذ کل درآمد به نرخ ماده ۱۳۱ با ذکر مشخصات موقوفه از متولی با لحاظ مفاد تبصره ۲ ماده ۳۸ یاد شده مطالبه و وصول خواهد شد.

نظر اقلیت: اولاً - حکم ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ حکم بدیع و جدیدی نیست بلکه واجد جنبه تصریحی و تأکیدی می‌باشد زیرا مقنن قبل و بعد از تصویب قانون مذکور به موجب ماده ۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی آن و ماده ۳ قانون اوقاف مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۲ و ماده ۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۶۶ برای موقوفات عام شخصیت حقوقی اعتبار کرده است و صرفنظر از مواد یاد شده بطور کلی و علی الاصول با نظر به انفکاک شخصیت واقف از موقوفه، چون موقوفه شخص حقیقی نیست بنابر موازین و اصول مسلم استنباط حقوقی الزاماً برای هر موقوفه اعم از عام و خاص شخصیت حقوقی مفروض بوده و خواهد بود بنا به اوصاف فوق همانطور که در زمان اعتبار قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی آن در خصوص موقوفات عام غیر مشمول بند ۸ ماده ۲ قانون مذکور و همچنین موقوفات خاص موضوع محاسبه مالیات براساس بندهای (ب) و (ت) ماده ۸۰ قانون مذکور مطرح نگردید اکنون نیز طرح نظریه مبنی بر محاسبه مالیات موقوفات عام غیر مشمول بند ۳ ماده ۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ و موقوفات خاص براساس بندهای (ب) و (د) ماده ۱۰۵ قانون موصوف فاقد وجهت و محل قانونی است در قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ درمورد مالیات موقوفات احکام خاصی در فصل چهارم باب دوم و فصل ششم باب سوم مقرر گردیده است و بدین ترتیب عطف محاسبات مالیاتی موقوفات به فصل مالیات بردرآمد اشخاص حقوقی منتفی است و بطور کلی منظور نمودن شخصیت حقوقی برای موقوفه از طرف مقنن موجب تغییر در احکام مالیاتی مربوط به موقوفات اعم از عام و خاص نمی‌باشد. ثانیاً - از حیث محاسبه و مطالبه مالیات موقوفات و با ملاحظه قانون مدنی (مواد ۵۵ لغایت ۹۱) و قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۶۶ و اصلاحیه بعدی آن (بند ۳ ماده ۲ از باب اول مواد ۳۸ و ۳۹ و تبصره آن از فصل چهارم باب دوم و مواد ۱۱۹ و ۱۲۳ از فصل ششم باب سوم) بطور کلی دو نوع موقوفه تشخیص داده می‌شود، موقوفات عام و موقوفات خاص. ۱- موقوفات عام که بلحاظ احکام مالیاتی بدو دسته تقسیم می‌شوند: الف - موقوفات عام مشمول بند ۳ ماده ۲ که در هر سال با رعایت آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره ۴ ماده یاد شده برای همان سال از معافیت مالیاتی استفاده خواهند نمود. ب - موقوفات عام غیر مشمول بند ۳ ماده ۲ که منافع چنین موقوفاتی به حکم بند (الف) ماده ۳۸ به نرخ ماده ۱۳۱ و قطع نظر از تعداد یا نوع منتفع شوندگان یکجا مشمول مالیات خواهد بود. بدیهی است در مورد موقوفات مذکور در بند (الف) که به علت عدم رعایت شرایط مربوط به استفاده از معافیت مشمول مالیات می‌شوند و موقوفات بند (ب) که مشمول مالیات هستند در هر حال مالیات باید از

در مورد حبس و نذر، حبس و نذرکننده و در مورد وصیت، وصی، مکلف‌اند حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ وقوع عقد یا فوت موصی، حسب مورد، اظهارنامه‌ای روی نمونه‌ای که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌شود حاوی مشخصات و ارزش مال مورد وقف یا حبس یا نذر یا وصیت به انضمام اسناد مربوطه به اداره امور مالیاتی صلاحیتدار تسلیم و رسید دریافت دارند و همچنین در صورتی که مورد از مصادیق بند (الف) ماده ۳۸ این قانون باشد، مالیات منافع هر سال را تا آخر تیر ماه سال بعد و چنانچه مورد از مصادیق قسمت اخیر بند (ب) ماده مزبور باشد مالیات متعلق را حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه پرداخت کنند و یا از تسهیلات مذکور در مواد ۴۰ و ۴۱ این قانون استفاده نمایند.» نظر به این که مقررات مورد شکایت در تبیین حکم مقنن و شیوه‌های اجرایی آن بوده لذا خلاف قانون و خارج از اختیار نبوده، به استناد بند (ب) ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌کند. رأی صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ صدور، از سوی ریاست دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان قابل اعتراض است.

متعاقب صدور رأی توسط هیأت تخصصی مالیاتی و بانکی دیوان عدالت اداری و رد شکایت مطروحه توسط این هیأت، معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی به شرح زیر به رأی مذکور اعتراض کرده است.

با بررسی پرونده فوق مشخص می‌شود که بنا به دلایل ذیل، اصولاً موضوع مشمول حکم مقرر در ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ بوده و رسیدگی هیأت تخصصی به شکایت مزبور عملاً منجر به اعتباربخشی به مقرره‌ای شده است که خود سازمان امور مالیاتی کشور نیز به موجب لایحه شماره ۲۲۷۸۶/۳/۱۹/۱۴۰۰/ص - ۱۴۰۰/۳/۱۹ اعلام کرده است که با تصویب قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱، منسوخ شده و ادارات امور مالیاتی به آن عمل نمی‌کنند:

۱- در تبیین اجمالی موضوع شکایت باید گفت که به دنبال طرح اختلافی در خصوص استنباط متفاوت از حکم مقرر در بند (الف) ماده ۳۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳، شورای عالی مالیاتی به موضوع اختلاف رسیدگی و به صدور رأی مورد شکایت اقدام کرده است. براساس بند (الف) ماده ۳۸ قانون مزبور مصوب سال ۱۳۶۶ مقرر شده بود که: «در مورد وقف و حبس، منافع مال هر سال مشمول مالیات به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود» و اختلاف حادث شده نیز به طور خلاصه از این قرار بوده است که با توجه به حکم مقرر در بند فوق، گروهی در رابطه با اخذ مالیات از موقوفات خاص کل درآمد موقوفه را مأخذ محاسبه مالیات متعلق بر موقوفه دانسته و گروهی نیز قائل به این نظر بوده‌اند که در اخذ مالیات از موقوفات خاص سهم هریک از موقوف‌علیهم را باید مأخذ محاسبه مالیات موضوع این بند قرار داد. در جریان بررسی این موضوع در شورای عالی مالیاتی، اکثریت اعضای شورا قائل به نظر اول شده و اقلیت نیز نظر دوم را به عنوان نظر صحیح پذیرفته‌اند، ولی در نهایت نظر اکثریت به عنوان رأی شورای عالی مالیاتی ابلاغ شده است. تفاوت اتخاذ هریک از این دو دیدگاه را می‌توان با مثالی مورد اشاره قرار داد:

برای نمونه، چنانچه در سال ۱۳۷۱ (زمان صدور رأی شورای عالی مالیاتی و بر پایه ارزش ریال در آن زمان) موقوفه‌ای خاص دارای سه موقوف‌علیهم و مجموعاً یک میلیون و ششصد هزار تومان درآمد بود و از مجموع درآمد فوق، سهم موقوف‌علیه اول ۶۰۰ هزار تومان، سهم موقوف‌علیه دوم ۵۰۰ هزار تومان و سهم موقوف‌علیه سوم هم ۵۰۰ هزار تومان بود، در حالتی که قائل به نظر گروه نخست باشیم، درآمد کل موقوفه (یک میلیون و ششصد هزار تومان) بر مبنای نرخهای مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم مأخذ محاسبه مالیات قرار گرفته و موقوفه باید در سال ۱۳۷۱ به طور سالانه ۲۷۲ هزار تومان مالیات می‌پرداخت:

$$200000 \times 12\% = 24000$$

$$200000 \times 14\% = 28000$$

$$300000 \times 16\% = 48000$$

$$400000 \times 18\% = 72000$$

$$500000 \times 20\% = 100000$$

$$= 272000$$

و چنانچه نظر دوم را می‌پذیرفتیم، درآمد هریک از موقوف‌علیهم مبنای محاسبه مالیات قرار می‌گرفت و در این صورت با توجه به نرخهای مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم، آنها باید در سال ۱۳۷۱ مجموعاً ۲۲۰ هزار تومان در سال مالیات می‌پرداختند که ۵۲ هزار تومان از روش مورد اعمال توسط قائلین به نظر اول کمتر بود:

متولی موقوفه مطالبه شود. ۲- موقوفات خاص بطور کلی در مواردی که منافع موقوفه حسب نظر واقف (وقفنامه عاید اشخاص محدود و معین شود، در این صورت موقوفه، موقوفه خاص محسوب می‌شود (با این توضیح که حسب قسمت اخیر ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، سازمان مذکور تصدی اوقاف خاصه را بطور ثانوی و در موارد اختلاف بین بطون لاقحه عهده دار می‌شود و حسب ماده ۶۲ قانون مدنی در مورد وقف خاص قبض طبقه اولی کافی از تحقق وقف بوده و اوقاف خاصه ملزم به داشتن متولی نیستند و موقوف‌علیهم راساً استیفاء منافع می‌نمایند) و از نظر مالیاتی، مالیات موقوفات خاص بر حسب موارد مختلف باید بشرح زیر محاسبه و مطالبه شود: الف - در صورتی که مورد وقف از جمله اموال مذکور در ماده ۱۸۰ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی آن و موقوف‌علیهم نیز از اشخاص مندرج در ماده یاد شده و وقف قبل از شروع سال ۱۳۶۸ تحقق یافته باشد و تاریخ فوت واقف از اول سال ۱۳۶۸ به بعد باشد باید مطابق مقررات مذکور در ماده موصوف و با رعایت تبصره ۲ ماده ۱۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۶۶ و اصلاحیه آن نسبت به محاسبه و مطالبه مالیات از هر ذینفع (هر یک از موقوف‌علیهم) بطور جداگانه اقدام شود. ب - هر گاه مورد وقف از اموال مذکور در بند (الف) فوق نباشد اعم از اینکه موقوف‌علیهم از اشخاص مذکور در ماده ۱۸۰ فوق (اشاره به نباشند یا نباشند و یا اینکه مورد وقف هر چه باشد ولی موقوف‌علیهم از اشخاص مندرج در ماده ۱۸۰ یاد شده نباشند هر یک از موقوف‌علیهم تا پایان عملکرد سال ۶۷ بطور جداگانه نسبت به قدرالسهم خود از منافع موقوفه برابر ماده ۵۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی آن مشمول مالیات بوده، که مالیات متعلقه باید به نرخ ماده ۱۳۴ قانون مذکور محاسبه و از هر یک مطالبه شده باشد و نسبت به عملکرد سنوات ۶۸ و بعد از آن نیز باید مطابق مقررات ماده ۱۲۳ و نرخ ماده ۱۳۱ مالیات هر یک از موقوف‌علیهم جداگانه محاسبه و از آنها مطالبه شود. ج - در مورد موقوفات خاص که وقف از ابتدای سال ۶۸ به بعد تحقق یافته است باید بشرح قسمت اخیر بند (ب) فوق اقدام شود. د - در مواردی که بعضی از موقوف‌علیهم اشخاص حقوقی باشند و مطابق مقررات مشمول معافیت نشوند درآمد مشمول مالیات آنها از موقوفه که بشرح ماده ۵۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۴۵ و اصلاحیه‌های بعدی و یا ماده ۱۲۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۶۶ و اصلاحیه آن بر حسب مورد تعیین می‌شود با سایر درآمدهای آنها جمع و یکجا مأخذ محاسبه مالیات واقع خواهد شد.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور ضمن ارسال نامه به رئیس شورای عالی مالیاتی به شماره ۱۵۳۸ - ۱۴۰۰/۳/۳ به موجب لایحه شماره ۲۷۸۶ - ۱۴۰۰/۳/۱۹ توضیح داده است که:

بخشنامه مذکور با توجه به مقررات مواد ۳۸ و ۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه سال ۱۳۷۱ صادر گردیده است. با توجه به بازنگری و اصلاح مفاد ماده ۳۸ در اصلاحیه اخیر قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱، در مواردی که منافع مالی مورد وقف و حبس است، اشخاص منتفع به استثنای اشخاص مذکور در بند ۳ ماده ۲۴ این قانون نسبت به منافع هر سال مشمول مالیات بر درآمد خواهند بود. بنابراین با توجه به اصلاح مفاد ماده ۳۸ قانون، بخشنامه مورد شکایت به تبع تصویب قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ منسوخ و ادارات امور مالیاتی با توجه به مقررات اصلاحی اقدام می‌نمایند. به لحاظ اینکه رسیدگی به خواسته شاکای فاقد موضوعیت بوده و استدعای رد درخواست وی را دارد.

پرونده در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و این هیأت به موجب دادنامه شماره ۹۰۴ - ۱۴۰۰/۷/۲۵ رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ شورای عالی مالیاتی را قابل ابطال تشخیص نداد و به شرح زیر اقدام به صدور رأی کرد.

با مذاقه در اوراق و محتوای پرونده، به موجب ماده ۳۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ «اموالی که به موجب وقف یا حبس یا نذر یا وصیت منتقل می‌شود، در صورتی که از موارد معافیت مذکور در بند ۳ ماده ۲۴ این قانون نباشد و یا مشمول مقررات فصل مالیات بر درآمد اتفاقی نگردد، به شرح زیر مشمول مالیات است: الف - در مورد وقف و حبس، منافع مال هر سال مشمول مالیات به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود. ب - در نذر و وصیت چنانچه منافع مورد نذر و وصیت باشد به شرح بند (الف) فوق و در صورتی که عین مال مورد نذر و وصیت باشد ارزش مال طبق مقررات این فصل تعیین و یکجا به نرخ مقرر برای وراث طبقه دوم مشمول مالیات خواهد بود.» و به موجب ماده ۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ «در مورد وقف، متولی و

مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هرچند مفاد رأی شماره ۱۴۰۰/۷/۲۵ - ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۹۰۴ هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم ابطال رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ - ۱۳۷۱/۱۲/۲۶ شورای عالی مالیاتی با توجه به قوانین و مقررات موجود در زمان حاکمیت رأی مذکور شورای عالی مالیاتی صحیح است، لکن از آنجایی که در رأی شماره ۱۴۰۰/۷/۲۵ - ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۹۰۴ هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری قرینه‌ای بر این امر وجود ندارد که رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ - ۱۳۷۱/۱۲/۲۶ شورای عالی مالیاتی صرفاً بر مبنای قوانین و مقررات موجود در زمان حاکمیت خود مورد رسیدگی قضایی قرار گرفته و به این امر تصریح نشده است که با لازم‌الاجرا شدن ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱، حیات حقوقی رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ - ۱۳۷۱/۱۲/۲۶ شورای عالی مالیاتی به پایان رسیده است، بنابراین اعتراض رئیس دیوان عدالت اداری که صرفاً از همین حیث و فارغ از جنبه ماهوی موضوع مطرح شده، وارد است و مستند به حکم مقرر در بند «ب» ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ اعلام می‌شود که مفاد رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۸۰۷ - ۱۳۷۱/۱۲/۲۶ شورای عالی مالیاتی به عنوان مقرر مورد شکایت در پرونده منتج به صدور رأی شماره ۱۴۰۰/۷/۲۵ - ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۹۰۴ هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری صرفاً در بازه زمانی صدور رأی مزبور شورای عالی مالیاتی تا زمان لازم‌الاجرا شدن ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ واجد اعتبار حقوقی و صحیح بوده و پس از لازم‌الاجرا شدن ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ حیات حقوقی آن خاتمه یافته و قابل اجرا نیست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۹۰۲۸۰۲

شماره ۹۹۰۲۸۰۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۱۲۸۲۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با موضوع: «صوبه جلسه شماره ۱۳۱ مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۵ هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور که علی‌الاطلاق دارا بودن مدرک تحصیلی را شرط برخورداری از فوق‌العاده فنی اعلام کرده، فارغ از برخورداری از مدرک تحصیلی مربوطه، اعمال آن در قرارداد یا حکم اشخاص نیز لازم دانسته شده است ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۲۹ شماره پرونده: ۹۹۰۲۸۰۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مصطفی عسکرزاده

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره جلسه ۱۳۱ - ۱۳۹۸/۱/۲۵ هیأت

اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال مصوبه شماره جلسه ۱۳۱ -

۱۳۹۸/۱/۲۵ هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور ابلاغی به شماره ۴۶/۷۷۷۸/د -

۱۳۹۸/۲/۲۲ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" به استحضار می‌رساند مطابق مصوبه چهل و چهارمین نشست عادی هیأت امناء دانشگاه پیام نور مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۱ مصوب گردید که مبلغی تحت عنوان حق فنی به دارندگان مدرک تحصیلی مهندسی که شاغل در اداره کل عمرانی و املاک دانشگاه هستند پرداخت شود و تاریخ اجرای مصوبه ۱۳۹۳/۱/۱ در نظر گرفته شده بود. این در حالی است که هیأت اجرایی که مطابق ماده ۱ - ۸ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه موظف به اجرای مصوبات هیأت امناء است از اعمال مصوبه مذکور برای چندی از شاغلین در حوزه فنی و مهندسی امتناع کرده است. این در حالی است که پس از تصویب صورتجلسه مذکور و عدم اجرای آن توسط هیأت امناء علیرغم مذاکرات صورت گرفته با مسئولین امور اداری وقت طی نامه‌ای در بهمن ماه ۱۳۹۴ به مدیرکل دفتر

نفر اول: ۸۴۰۰۰

$200000 \times 14\% = 28000$

$200000 \times 16\% = 32000$

= ۸۴۰۰۰

نفر دوم و سوم: هرکدام ۶۸۰۰۰ و مجموعاً ۱۳۶۰۰۰ $200000 \times 12\% = 24000$

$200000 \times 14\% = 28000$

$100000 \times 16\% = 16000$

= ۶۸۰۰۰

۸۴۰۰۰ + ۱۳۶۰۰۰ = ۲۲۰۰۰۰

۲- براساس ماده ۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم (اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱):

«...در مواردی که منافع مالی، مورد نذر یا وصیت باشد و همچنین منافع مالی که مورد وقف و حبس است، اشخاص منتفع از منافع به استثنای اشخاص مذکور در بند ۳ ماده ۲۴ این قانون نسبت به منافع هر سال مشمول مالیات بر درآمد خواهند بود...» همچنانکه ملاحظه می‌شود، در این ماده صراحتاً اشخاص منتفع از منافع یعنی موقوف‌علیهم و درآمد آنها مشمول پرداخت مالیات اعلام شده‌اند و این همان دیدگاه گروه دوم یعنی اقلیت اعضای شورای عالی مالیاتی است که نه کل درآمد موقوفه خاص که درآمد هریک از موقوف‌علیهم این موقوفه را مأخذ محاسبه مالیات می‌دانستند. بدیهی است که با وضع این حکم که در جریان اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم در سال ۱۳۹۴ صورت گرفته، عملاً نظر اکثریت اعضای شورای عالی مالیاتی که استنباط آنها از بند «الف» ماده ۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ مبنای صدور رأی شورای عالی مالیاتی قرار گرفته، از سوی قانونگذار رد و منتفی شده است.

بنابراین، با توجه به تفاوت دیدگاههای فوق و با عنایت به رد نظریه حاکم در رأی شورای عالی مالیاتی توسط قانونگذار که در جریان تصویب قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ صورت گرفته، در حال حاضر مفاد رأی مذکور شورای عالی مالیاتی عملاً منتفی شده و مبنایی برای عمل به آن با توجه به حکم مقرر در ماده ۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ وجود ندارد و سازمان امور مالیاتی کشور نیز بر همین اساس به موجب لایحه شماره ۲۷۸۶/۲۱۲/ص - ۱۴۰۰/۳/۱۹ اعلام کرده است که با تصویب قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱، مقرر فوق منسوخ شده و ادارات امور مالیاتی به آن عمل نمی‌کنند. با این حال، عدم پیشنهاد قرار موضوع ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری توسط هیأت تخصصی مالیاتی بانکی و رسیدگی ماهوی آن هیأت به شکایت مطروحه به خواسته ابطال رأی مذکور شورای عالی مالیاتی عملاً منجر به اعتباربخشی به رأی فوق‌الاشاره شده و سازمان امور مالیاتی می‌تواند با وجود حکم مقرر در ماده ۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴/۴/۳۱، با استناد به رأی هیأت تخصصی مجدداً به مفاد رأی شورای عالی مالیاتی عمل کند و مالیات بیشتری را از موقوفات خاص مطالبه نماید. زیرا همچنانکه در مثال فوق بیان شد، رأی شورای عالی مالیاتی عملاً محاسبه مالیات موقوفات خاص را بر مبنای کل درآمد موقوفه و درصدهای بالاتری از نرخهای مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم مورد عمل قرار می‌دهد و ماده ۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴/۴/۳۱ با محاسبه مالیات بر مبنای درآمد هریک از موقوف‌علیهم، عملاً درصدهای پایین تری را به عنوان نرخ محاسبه مالیات مبنای عمل قرار می‌دهد. بنا به مراتب فوق و با توجه به آثار و پیامدهای قطعی شدن رأی شماره ۱۴۰۰/۷/۲۵ - ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۹۰۴ هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری، اعمال حکم مقرر در ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به موضوع قابل پیشنهاد است و مراتب جهت صدور دستور مقتضی خدمت حضرتعالی ارائه می‌شود."

متعاقب اعتراض معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی، پرونده به دستور رئیس دیوان عدالت اداری در اجرای بند «ب» ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، جهت بررسی مجدد به هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری ارجاع و پس از بررسی و صدور نظریه توسط این هیأت، در دستورکار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر امور حقوقی دانشگاه پیام نور به موجب لایحه شماره ۱۱۰۳/۳۲۲۰/ص - ۱۴۰۰/۶/۷ توضیح داده است که:

۱- به استناد ماده یک قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی: «دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و... که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری... و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند بدون الزام به رعایت قوانین ومقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به ویژه قانون محاسبات عمومی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات والحاقت بعدی آنها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و اداری - استخدامی - تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تأیید وزراء علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ... می‌رسد، عمل می‌نمایند.»

۲- با عنایت به مصوبه جلسه ۶۳۰ - ۱۳۸۷/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصمیمات شوراها و کمیته‌های تخصصی و کمیته‌های وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی خارج است. همچنین موضوع طی نامه شماره ۱۳۹۳/۱۲/۱۹/ش - دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دیوان عدالت اداری اعلام شده است.

۳- مطابق دستورالعمل فوق‌العاده فنی اعضاء غیر هیأت علمی مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۱ مصوب هیأت امناء دانشگاه پیام نور، حق فنی به کسانی که دارای مدرک تحصیلی فنی و مهندسی و فناوری اطلاعات می‌باشند قابل پرداخت است.

۴- مدرک تحصیلی شاکی برابر حکم کارگزینی ایشان، کارشناس ارشد مدیریت MBA می‌باشد که در زمره مدرک تحصیلی فنی و مهندسی و فناوری اطلاعات موضوع ماده ۱ دستورالعمل صدراالاشاره قرار نمی‌گیرد.

۵ - برابر مفاد ماده ۳۸ آیین‌نامه استخدامی اعضاء غیر هیأت علمی دانشگاه، پرداخت فوق‌العاده فنی به اعضاء واجد شرایط (دارای مدرک تحصیلی فنی و مهندسی و فناوری اطلاعات و احراز حداقل شرایط لازم تخصیص یکی از پست‌ها و یا شغل‌های مرتبط در حوزه اشتغال) منوط به وجود اعتبار لازم شده است. بنابراین در صورت احراز شرایط تعیین شده نیز الزامی برای دانشگاه به پرداخت فوق‌العاده مذکور وجود ندارد.

۶ - توضیح اینکه برقراری حق فنی به اعضاء با رشته‌های غیر مرتبط برابر مصوبه هیأت امناء موضوعیت نداشته و طبق صورتجلسه یکصد و سی و یکمین هیأت اجرایی منابع انسانی مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ مقرر شده است تا زمان تصمیم‌گیری نهایی در هیأت امناء برای اصلاح نحوه برقراری حق فنی در این مرحله نسبت به قطع فوق‌العاده فنی اعضاء که رشته تحصیلی ایشان بر اساس آخرین مقطع تحصیلی مندرج در حکم یا قرارداد با رشته‌های تحصیلی تعیین شده در مصوبه هیأت امناء مطابقت ندارد از تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱ حذف شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیات عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰: «دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستانها و پارکهای علم و فناوری که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به ویژه قانون محاسبات عمومی کشور، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات والحاقت بعدی آنها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امناء که حسب مورد به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستانها به تأیید رئیس‌جمهور و در مورد دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی وابسته به نیروهای مسلح به تأیید رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می‌رسد، عمل می‌کنند.» با توجه به اینکه هیأت امنای دانشگاه پیام نور طبق ماده ۱ مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۱ جلسه ۴۴ نشست عادی هیأت امناء مقرر کرده است که اعضاء غیرهیأت علمی دارای مدرک تحصیلی فنی و مهندسی و فناوری اطلاعات (حداقل کاردانی) که در سازمان مرکزی و اداره کل عمران و

حقوقی دانشگاه، مراتب دادخواهی اعلام گردید و ایشان نیز با نظر به مستندات و قوانین موجود طی نامه شماره ۱۱۰۳/۶۶۷۹۲/د - ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ اینجانب را مشمول حق مذکور دانسته و درخواست برقراری حق فنی اینجانب را نمودند که با نظر و پراف مستقیم معاون اداری مالی وقت، امور اداری موظف به اجرای دستور گردید لکن مجدداً حق فنی اعمال نگردید. لذا با عنایت به مصوبه شماره ۴۴ هیأت امناء مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۱ و نیز نامه مدیرکل حقوقی وقت به تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ و نظر به پیگیری‌های متعدد انجام شده توسط اینجانب و سایر همکاران (که تنها منجر به برقراری حق فنی در سال ۹۷ گردید و مجدداً طی مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ در جلسه ۱۳۱ هیأت اجرایی قطع گردید) اولاً: خواهشمند است دستور به اجرای مصوبه هیأت امناء از تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱ به همراه تاخیر و تادیه خسارات مربوطه را صادر فرمایید. ثانیاً: دستور به لغو مصوبه ۱۳۱ هیأت اجرایی مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ که موجب کسر حقوق پرداختی به اینجانبان شده است را نیز صادر فرمایید.

شاکی به موجب لایحه تکمیلی که به شماره ۹۹ - ۲۸۰۲ - ۷ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۳ در دبیرخانه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ثبت رسیده اعلام کرده است که:

۱- مطابق با ماده ۱ احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ دانشگاه‌ها بدون رعایت قوانین ومقررات عمومی کشور تابع مصوبات هیأت امناء می‌باشند که تصمیمات اخذ شده توسط هیأت امناء الزام‌آور بوده و در حکم قانون می‌باشد و مصوبات هیأت اجرایی نمی‌تواند مخالف مصوبات هیأت امناء باشد.

۲- مطابق با ماده ۱ صورتجلسه چهل و چهارمین نشست عادی هیأت امنای دانشگاه پیام نور مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۱ دانشگاه موظف است از تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱ به دارندگان مدرک تحصیلی فنی مهندسی که در سازمان مرکزی و اداره کل عمران و املاک مشغول به کار می‌باشند مبلغی را مطابق با جدول مربوطه به عنوان حق فنی پرداخت نماید.

۳- صورتجلسه یکصد و سی و یکمین (۱۳۱) جلسه هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ مخالف ماده ۱ صورتجلسه چهل و چهارمین نشست عادی هیأت امنای دانشگاه پیام نور مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۱ می‌باشد.

۴- در صورتجلسه هیأت امناء اظهار نظر شده است که «دارندگان مدرک تحصیلی فنی مهندسی» که در دو اداره کل «عمران و املاک و فناوری اطلاعات» مشغول به کار هستند، مشمول دریافت حق فنی مطابق جدول مربوطه می‌باشند.

۵ - اینجانب دارای «مدرک مهندسی برق» از دانشگاه شاهد بوده و از سال ۱۳۸۸ در اداره کل عمرانی و املاک به عنوان «طراح و ناظر عالی برق» (مطابق احکام صادره در پرونده) مشغول به انجام خدمت بوده‌ام. لکن علیرغم این مصوبه هیأت امناء هیأت اجرایی طی اصلاحیه‌ای در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۹ اقدام به حذف ردیف مربوطه در حکم سال ۹۸ و پس از قرارداد اولیه نموده است و در سال ۱۳۹۹ نیز احکام اداری بدون ردیف مربوطه صادر شده است.

۶ - در مصوبه مذکور هیچ اشاره‌ای به آخرین مدرک تحصیلی و یا مدرکی که دانشگاه در احکام قید می‌نماید نشده است و صرفاً دارا بودن مدرک فنی مهندسی و اشتغال مرتبط در ادارات عمران و املاک یا فناوری اطلاعات شرط کافی برای مشمولیت مصوبه هیأت امناء ذکر شده است.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" صورتجلسه هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور شماره ۴۶/۷۷۷۸ د - ۱۳۹۸/۲/۲۲:

محل برگزاری	ساعت خاتمه	ساعت شروع	تاریخ جلسه	صورتجلسه هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور	دانشگاه پیام نور
دفتر اداره کل امور اداری		۱۵/۳۰	۹۸/۴/۲۵	صد و سی و یکمین	شماره جلسه

ردیف	موضوع جلسه	تصمیمات	توضیحات
۱	بررسی مجدد موضوع استمرار پرداخت فوق‌العاده (حق فنی) به اعضاء واجد شرایط و بازنگری لیست اعضاء واجد شرایط	مقرر شد تا زمان تصمیم‌گیری نهایی در هیأت امناء برای اصلاح نحوه برقراری حق فنی در این مرحله نسبت به قطع فوق‌العاده فنی اعضاء که رشته تحصیلی ایشان بر اساس آخرین مقطع تحصیلی مندرج در حکم یا قرارداد یا رشته‌های تحصیلی تعیین شده در مصوبه هیأت امناء مطابقت ندارد از ۹۸/۱/۱ حذف شود.	در جلسه قبلی مقرر شد لیست مشمولین فعلی به تفکیک رشته تحصیلی و شغل مورد تصدی جهت تصمیم‌گیری ارائه شود.

۵- اگر چه حصر نظام استخدامی شهرداری‌ها به قانون استخدام کشوری مانع از تسری احکام قانون مدیریت خدمات کشوری مگر در موارد تصریح شده به آن است که از جمع مواد ۳ و ۱۱۷ قانون اخیرالذکر چنین بر می‌آید و جذب نیروی قرارداد کار معین مبتنی بر اصل عدم اختیار در امور اداری مگر به تصریح قوانین ممکن نیست با این وجود حتی مفروض محال بر امکان جذب نیروی قراردادی در شهرداری‌ها، هرگونه استخدام و جذبی می‌بایست واجد اخذ مجوز از سازمان امور اداری و استخدامی و برنامه و بودجه گردد کما اینکه در تبصره ذیل ماده ۳۲ قانون مدیریت خدمات کشوری عبارت سازمان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت بوده که امروز تحت دو سازمان یاد شده، فعالیت دارند، لذا فقدان پیش‌بینی چنین مجوزی مانع قانونی در راستای اجرای آن است. با عنایت به موارد مطروحه ایجاد شق جدیدی از جذب به عنوان قرارداد موقت کارمندی، مغایر مواد و آراء پیش گفته و نیز اصل برابری و شایسته‌سالاری در جذب و به کارگیری می‌باشد. از این رو با توجه به فقدان مجوزات قانونی این تبدیل وضعیت و تزییع حقوق استخدامی که از حقوق عامه محسوب می‌شود، ابطال کل آن را از بدو صدور با اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از محضر قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری استدعا دارد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

“ شهردار محترم آستان اشرفیه

سلام علیکم

احتراماً بازگشت به نامه شماره ۶/۹۸/۱۵/۹۹۷۷ - ۱۳۹۸/۶/۲۶ آن دسته از کارگران دارای قرارداد موقت که با مدرک تحصیلی لیسانس به بالاتر در ستاد (سیستم اداری) و در پست‌های سازمانی مصوب شهرداری مشغول هستند مشروط به درخواست و رضایت متقاضی و رضایت از عملکرد، اصلاح قرارداد موقت کارگری به قرارداد موقت کارمندی برابر مقررات بلامانع می‌باشد. - مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گیلان” در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر مدیریت عملکرد، بازرسی و امور حقوقی استانداری گیلان به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۸۰/۱۲/۹۵۸۸ - ۱۴۰۰/۵/۱۱ توضیح داده است که:

“ ۱- با عنایت به تبصره ذیل ماده ۳۲ قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه اجرایی ده درصد از پست‌های سازمانی خود را می‌تواند نیروی خود را به عنوان قرارداد کار معین جذب نماید. لذا امر به امکان تبدیل وضعیت ایشان را از کارگری به کارمندی حسب اقتضاء نیاز خود را دارد.

۲- شاکي به نوعی ادعا نموده که افراد موضوع مکاتبه جذب جدید شده‌اند این در حالی است که این افراد به صورت کارگری در شهرداری‌ها حضور داشته و صرفاً تغییر وضعیت آن هم بنا به اقتضاء نیاز شهرداری تابعه پیدا نموده‌اند. با توجه به موارد مطروحه تقاضای رد شکایت شاکي را از آن مقام استدعا دارد.”

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه مطابق رأی شماره ۹۱- ۸۷ مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، کلیه مستخدمین شهرداریها و مؤسسات تابعه و وابسته و اتحادیه شهرداریهای کشور با توجه به مفاد ماده واحده لایحه قانونی شمول قانون استخدام کشوری (غیر از شهرداری پایتخت) درباره کارکنان شهرداریهای سراسر کشور مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۹ شورای انقلاب، مشمول قانون استخدام کشوری هستند و با عنایت به اینکه در قانون مذکور، انعقاد قرارداد موقت توسط شهرداری پیش‌بینی نشده است، بنابراین اساساً به کارگیری افراد در قالب قرارداد موقت مبنای قانونی ندارد و با لحاظ این امر که در قانون استخدام کشوری تبدیل وضعیت از قالب قرارداد موقت کارگری به قرارداد کارمندی نیز پیش‌بینی نشده است، لذا نامه شماره ۹۸/۸۰/۴۲/۱۷۵۶ مورخ ۱۳۹۸/۷/۹ مدیرکل دفتر شهری و شوراهای اسلامی استانداری گیلان که متضمن تجویز تبدیل وضعیت کارگران دارای قرارداد موقت به قرارداد کارمندی است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

املاک و دفتر آمار و فناوری اطلاعات و ادارات عمرانی استانها اشتغال به کار دارند، مادام که در حوزه‌های تخصصی خود فعالیت می‌کنند، به آنان بین ۲۵ تا ۵۰ درصد حقوق و مزایا، به عنوان فوق‌العاده فنی پرداخت می‌شود و در مصوبه جلسه شماره ۱۳۱ مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۵ هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور برخلاف مصوبه مذکور هیأت انماه که علی‌الاطلاق دارا بودن مدرک تحصیلی را شرط برخورداری از فوق‌العاده فنی اعلام کرده، فارغ از برخورداری از مدرک تحصیلی مربوطه، اعمال آن در قرارداد یا حکم اشخاص نیز لازم دانسته شده است، بنابراین اطلاق مصوبه مذکور هیأت اجرایی منابع انسانی دانشگاه پیام نور از حدود اختیار مرجع تصویب‌کننده آن خارج است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۰۰۰۱۵۶۴

۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۸/۷/۹ مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای اسلامی استانداری گیلان که متضمن تجویز تبدیل وضعیت کارگران دارای قرارداد موقت به قرارداد کارمندی است از تاریخ تصویب ابطال شد. «جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۳۰ شماره پرونده: ۰۰۰۱۵۶۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سجاد کریمی پاشاکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۹۸/۸۰/۴۲/۱۷۵۶ - ۱۳۹۸/۷/۹

مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای اسلامی استانداری گیلان

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۹۸/۸۰/۴۲/۱۷۵۶ -

۱۳۹۸/۷/۹ مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای اسلامی استانداری گیلان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

“ ۱- وفق قانون شمولیت قانون استخدام کشوری بر کارکنان شهرداری‌ها به غیر از شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب، شهرداری‌ها از حیث نظام اداری تابع قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت می‌باشند و کارگران بنا به ماهیت فعالیت نمی‌توانند در سیستم اداری و پست‌های سازمانی مربوطه شهرداری فعالیت داشته باشند همان طور که در مفهوم دادنامه وحدت رویه شماره ۵۹۴ - ۱۳۸۹/۱۲/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مشاهده می‌شود. بنابراین بدیهی است که مفروض مکاتبه مبنی بر امکان تصدی کارگر بر پست‌های سازمانی خلاف مواد ۴، ۵ و ۶ قانون استخدام کشوری است. پس بدیهی است که حقی برای ایشان مبنی بر تبدیل وضعیت به کارمند موقت ایجاد نمی‌شود.

۲- کارمند موقت در قانون استخدام کشوری تعریف نیافته و حسب دادنامه شماره ۸۷ الی ۹۱ - ۱۳۹۸/۱/۲۷ آیین‌نامه استخدامی شهرداری‌ها، بلااعتبار دانسته شده است. لذا مقرر معترض‌عنه که در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۹ عبارت کارمند موقت را خلق و تأسیس کرده عملاً در حیطه تقنینی مداخله داشته و این عبارت را به وجود آورده است. از این رو تصریح آن در این مقرر برخلاف دادنامه مذکور می‌باشد.

۳- وفق دادنامه شماره ۴۰ - ۱۳۹۱/۲/۴ و نیز دادنامه شماره ۷۲۸ - ۱۴۰۰/۳/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تبدیل وضعیت از کارگری به پیمانی و کارمندی برخلاف قانون و مستلزم آزمون دانسته شده است. لذا امر به تبدیل وضعیت از کارگری به کارمند موقت برخلاف مفهوم دادنامه‌های مذکور است.

۴- هرگونه تبدیل وضعیتی بدون اذن مقنن در حکم جذب جدید است و از آنجا که جذب اینارگران وفق ماده ۲۱ قانون جامع ایثارگی و تأکید آراء مختلف وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب آزمون می‌باشد و نیز جذب سهمیه معلولین نیز چنین است، لذا اقدام جهت تبدیل وضعیت کارگر به کارمند موقت، محرومیت این اقشار از شرکت و احتساب سهمیه در آزمون و منجر به تبعیض ناروا موضوع بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی است.

شماره ۹۹۰۲۲۰۴

۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۸ با موضوع: «قسمت اخیر از بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور که براساس آن مقرر شده است که: «... در مواردی که مالیات و عوارض مالیات بر ارزش افزوده توسط پیمانکار از کارفرما وصول شده باشد، ادارات امور مالیاتی می‌بایست نسبت به مطالبه مالیات و عوارض دریافتی در صورت عدم واریز به حسابهای سازمان امور مالیاتی کشور برابر مقررات اقدام نمایند.» ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۳۱ شماره پرونده: ۹۹۰۲۲۰۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای خسرو حسین پور هرمزی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت اخیر بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ -

۱۳۹۸/۱۱/۲۸ معاون حقوقی و فنی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور

گردش کار: شاکي به موجب درخواستی ابطال قسمت اخیر بخشنامه شماره

۲۱۰/۹۸/۹۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ معاون حقوقی و فنی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

همان طور که استحضار دارید مطابق بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ «خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق، موضوع مالیات‌های مستقیم از پرداخت مالیات معاف است.» باتوجه به این حکم ارائه خدمات مشمول مالیات بر حقوق به طور مطلق از مالیات معاف بوده و مقید نمودن آن به اینکه «چنانچه پیمانکار مالیات و عوارض ارزش افزوده را از کارفرما وصول نموده باشد، می‌بایست نسبت به مطالبه مالیات و عوارض موصوف برابر مقررات اقدام نمود»، برخلاف اطلاق بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون یاد شده است و این محدودیت پیش از این بخشنامه، در بند ۱۱ بخشنامه شماره ۲۸۰۰۴ - ۱۳۸۸/۱۱/۱۲ - ۱۳۹۷/۳/۱ تکرار شده بود که منجر به صدور دادنامه شماره ۳۴۸ - ۱۳۹۷/۳/۱ گردید. در این ارتباط به منظور تبیین خواسته از حیث اینکه قسمت اخیر بخشنامه مورد شکایت برخلاف اطلاق بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون مذکور وضع شده به عرض می‌رساند: سازمان امور مالیاتی کشور پیش از بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ مورد شکایت در بند ۱۱ بخشنامه شماره ۲۸۰۰۴ - ۱۳۸۸/۱۱/۱۲ - ۱۳۹۷/۳/۱ برخلاف اطلاق بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون یاد شده اتخاذ تصمیم نموده بود و در دوره حاکمیت بند ۱۱ مذکور از خدمات و فعالیت‌های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی مالیات و عوارض ارزش افزوده مطالبه و وصول نمود، حال علیرغم ابطال بند ۱۱ مزبور به موجب دادنامه شماره ۳۴۸ - ۱۳۹۷/۳/۱ مجدداً در قسمت اخیر بخشنامه مورد شکایت برخلاف اطلاق بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون یاد شده و همچنین با نادیده گرفتن مفاد ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، ادارات امور مالیاتی مکلف به مطالبه مالیات و عوارض ارزش افزوده از خدمات و فعالیت‌های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی شده‌اند.

اگرچه در قسمت اخیر بخشنامه مورد شکایت مفاد ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ نادیده گرفته شده است لیکن در این شکایت درخواست ابطال قسمت اخیر بخشنامه مورد شکایت به دلیل نادیده گرفتن مفاد ماده ۹۲ مزبور به هیچ وجه مورد درخواست اینجانب نمی‌باشد. لیکن با رعایت ماده ۸۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مراتب مغایرت، تصویب قسمت اخیر بخشنامه مورد شکایت را با قانون یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب‌کننده بر اساس و چارچوب این شکایت به اطلاع مقام عالی و ریاست دیوان عدالت اداری می‌رساند. ضمناً با عنایت به صراحت حکم مقرر در ماده ۲۵۵ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی منتهی به تاریخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ در خصوص وظایف و اختیارات شورای عالی مالیاتی اولاً: در باب تهیه آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مربوط به اجرای قانون مزبور. ثانیاً: لزوم بررسی و مطالعه به منظور پیشنهاد و اعلام نظر در مورد شیوه اجرای قوانین و مقررات مالیاتی، اصلاح و تغییر قوانین و مقررات مالیاتی و یا حذف بعضی از آنها. ثالثاً: اظهار نظر در مورد موضوعات و مسائل مالیاتی، صدور هرگونه بخشنامه، دستورالعمل و آیین‌نامه در چارچوب

عناوین مصرح و احصاء شده بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۲۵۵ قانون مزبور توسط اشخاص و دیگر مراجع مالیاتی از مصادیق بارز دخالت در اختیارات و وظایف قانونی شورای عالی مالیاتی تلقی شده و فاقد وجهت قانونی بوده، بر این اساس حکم مقرر در قسمت اخیر بخشنامه مورد شکایت از عبارت «بدیهی است در مواردی... برابر مقررات اقدام نمایند.» از حدود اختیارات و وظایف مرجع مزبور خارج است و از اعتبار قانونی برخوردار نبوده، بنابراین با توجه به بند (ت) ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، از مصادیق خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده تلقی شده و قابلیت ابطال دارد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

بخشنامه

۹۸	۹۸	مواد ۱۲ و ۱۷	الف
----	----	--------------	-----

مخاطبان/ ذینفعان	امور مالیاتی شهر و استان تهران ادارات کل امور مالیاتی
موضوع	چگونگی اجرای مفاد دادنامه شماره ۳۴۸ - ۱۳۹۷/۳/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بند ۱۱ بخشنامه شماره ۲۸۰۰۴ - ۱۳۸۸/۱۱/۱۲
نظر به ابهامات مطروحه نسبت به مفاد دادنامه شماره ۳۴۸ - ۱۳۹۷/۳/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال بند ۱۱ بخشنامه شماره ۲۸۰۰۴ - ۱۳۸۸/۱۱/۱۲، که طی بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۷۱ - ۱۳۹۷/۵/۶ ابلاغ گردید. بدین وسیله مقرر می‌دارد:	
با عنایت به اینکه بند ۱۱ بخشنامه شماره ۲۸۰۰۴ - ۱۳۸۸/۱۱/۱۲ صرفاً در مورد فعالیت‌های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی بوده است و به موجب دادنامه مارالذکر ابطال شده است، بنابراین مفاد بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۷۱ - ۱۳۹۷/۵/۶ صرفاً در خصوص پیمانکاران که ماهیت قرارداد آنها خدمات نیروی انسانی بوده، اجرایی است و به سایر قراردادهای از جمله قراردادهای تعمیراتی و دیگر خدمات غیرمعاف از مالیات و عوارض ارزش افزوده قابلیت تسری ندارد. بدیهی است در مواردی که مالیات و عوارض مالیات بر ارزش افزوده توسط پیمانکار از کارفرما وصول شده باشد ادارات امور مالیاتی می‌بایست نسبت به مطالبه مالیات و عوارض دریافتی در صورت عدم واریز به حسابهای سازمان امور مالیاتی کشور، برابر مقررات اقدام نماید. - معاون حقوقی و فنی مالیاتی	

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور، ضمن ارسال نامه شماره ۵۲۳۲/۵۲۷۴۱/د - ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ دفتر فنی و مدیریت ریسک مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب لایحه شماره ۲۱۲/۱۹۴۵۰/د - ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ توضیح داده است که:

مطابق مفاد دادنامه شماره ۳۴۸ - ۱۳۹۷/۳/۱ در صورتی که ماهیت قرارداد شرکت، تأمین نیروی انسانی باشد آن بخش از ما به ازای دریافتی که بابت حقوق بوده، از شمول مالیات بر ارزش افزوده معاف خواهد بود و مفاد دادنامه مذکور به سایر قراردادهای که موضوع آنها خدمات تأمین نیروی انسانی نباشد، قابل تعمیم نیست. بر اساس بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و حسب رأی شماره ۳۴۸ - ۱۳۹۷/۳/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صرفاً خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق، موضوع قانون مالیات‌های مستقیم، از پرداخت «مالیات و عوارض ارزش افزوده» معاف است. بدین روی مابه‌ازای دریافتی بابت خدمات تأمین نیروی انسانی پس از کسر هزینه حقوق موضوع ماده ۸۲ قانون مالیات‌های مستقیم مرتبط با قراردادهای تأمین نیروی انسانی به لحاظ خروج موضوعی از بند مذکور مشمول مالیات و عوارض ارزش افزوده موضوع قانون مذکور خواهند بود و ارائه دهندگان این دسته از خدمات (تأمین نیروی انسانی) می‌بایست نسبت به تفکیک سهم حقوق و دستمزد پرداختی و کارمزد خود در صورت وضعیت‌های صادره اقدام نمایند.

عبارت مورد شکایت از بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ - ۱۳۹۵/۱۱/۲۸ در خصوص مواردی است که قبلاً پیمانکاران مالیات و عوارض ارزش افزوده را از کارفرمایان دریافت نموده‌اند و احتمال احتساب آن به عنوان اعتبار مالیاتی کارفرمایان نیز می‌رود و بر این اساس ادارات امور مالیاتی مکلفند مالیات و عوارض مربوط را وصول نمایند. از سوی دیگر اخذ شدن مالیات و عوارض ارزش افزوده (موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده) از سوی پیمانکاران و عدم واریز آن به حسابهای سازمان مالیاتی، موجبات فساد و زمینه بدبینی افراد را نسبت به نظام مالیاتی فراهم می‌کند. به ویژه در وضعیتی که شرایط اقتصادی نامطلوب و نرخ مالیات بر ارزش افزوده ۹ درصد باشد، سبب خواهد شد مبلغی قابل توجه به عنوان حاشیه سود نصیب این گونه کارفرمایان شود. افزون بر آن که اجرای صحیح این

مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس ماده ۱۲۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲: «... موارد سکوت در این قانون به ترتیبی است که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) و قانون اجرای احکام مدنی مقرر شده است» و به موجب ماده ۲۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱: «اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم‌به حادث شود، در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می‌شود» و بر مبنای موازین قانونی مذکور، رفع ابهام از آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در صلاحیت خود هیأت عمومی است و از این رو صدور مقرره مورد شکایت که در مقام رفع ابهام از رأی شماره ۳۴۸ مورخ ۱۳۹۷/۳/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صورت گرفته، خارج از حدود اختیار مقام صادرکننده آن است. ثانیاً: براساس بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷، خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق موضوع قانون مالیاتهای مستقیم از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به موجب رأی شماره ۳۴۸ مورخ ۱۳۹۷/۳/۱ خود معافیت مطلق این خدمات را چه در قالب پرداخت مستقیم و چه پرداخت غیرمستقیم حقوق از مالیات بر ارزش افزوده تأیید کرده است. با توجه به مراتب فوق، قسمت اخیر بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور که براساس آن مقرر شده است که: «... در مواردی که مالیات و عوارض مالیات بر ارزش افزوده توسط پیمانکار از کارفرما وصول شده باشد، ادارات امور مالیاتی می‌بایست نسبت به مطالبه مالیات و عوارض دریافتی در صورت عدم واریز به حساب سازمان امور مالیاتی، اقدام نمایند»، از جهت آنکه با وجود معافیت خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده، استیفای ناروا و بلاوجه مالیات و عوارض ارزش افزوده توسط پیمانکار از کارفرما را به مثابه مبنایی قانونی برای مطالبه غیرقانونی مالیات و عوارض مزبور توسط ادارات امور مالیاتی و دارا شدن من غیر حق سازمان امور مالیاتی قرار داده، با بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ مغایرت دارد و در نتیجه رأی شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ مورخ ۱۴۰۰/۹/۹ - ۱۴۰۰/۸/۹ هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری نیز که در مقام تأیید مقرره مزبور صادر شده، واجد ایراد قانونی است و لذا مستند به حکم مقرر در بند «ب» ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، ضمن نقض رأی مذکور هیأت تخصصی مالیاتی بانکی دیوان عدالت اداری، قسمت اخیر بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ سازمان امور مالیاتی کشور مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

نظام مالیاتی در زنجیره معاملات، شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و نظارت بر جریان تبادل کالا و خدمات در اقتصاد ملی را در پی خواهد داشت. بدین ترتیب با ایجاد نظم و انضباط اقتصادی در کشور، شناسایی جریان‌های ناصواب در بازارهای اقتصادی کار، کالا، پول و سرمایه و در نهایت حذف آنها امکان‌پذیر می‌شود. بنا به مراتب مذکور به لحاظ اینکه قسمت اخیر بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ برای تبیین نظر مقنن و تعیین شیوه اجرایی قانون تنظیم شده و خروج موضوعی از حکم مقرر قانونی ندارد، تقاضای رد شکایت شاکي را دارد.

پرونده در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری جهت رسیدگی به هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و این هیأت به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۰/۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۹۲۸ - ۱۴۰۰/۸/۹ مقرره مورد شکایت را قابل ابطال ندانست و به شرح زیر رأی به رد شکایت صادر کرد.

«با مذاقه در اوراق و محتوای پرونده، با لحاظ اینکه به موجب بخشنامه مورد شکایت به شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ مقرر شده است که در مواردی که مالیات و عوارض ارزش افزوده توسط پیمانکار از کارفرما در راستای پیمان اخذ شده باشد و پیمانکار در قالب صوری وضعیت آن را وصول نموده باشد ادارات مالیاتی می‌بایست نسبت به مطالبه مالیات و عوارض دریافتی در صورت عدم واریز به حساب سازمان امور مالیاتی، اقدامات را انجام دهند و این صرفاً راجع به مواردی است که تحت عنوان مالیات محاسبه و وصول شده باشد و شامل مواردی که هنوز به حیطة وصول توسط پیمانکاران درنیامده است نمی‌گردد و این حکم در راستای اهداف مقنن بوده و مخالفتی با قوانین و مقررات ندارد فلذا به استناد بند (ب) ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ رأی به رد شکایت صادر می‌نماید. رأی صادره ظرف بیست روز پس از صدور قابل اعتراض از ناحیه ریاست دیوان یا ده نفر از قضات دیوان می‌باشد.»

متعاقب صدور رأی مذکور، رئیس دیوان عدالت اداری با استدلال مصرح در گزارش مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۹ معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی، در مهلت مقرر در ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به رأی هیأت تخصصی مالیاتی و بانکی اعتراض کرد، استدلال مصرح در گزارش مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۹ معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی به شرح زیر است:

«با وجود صدور رأی شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ - ۱۴۰۰/۹/۹ - ۱۴۰۰/۸/۹ به نظر می‌رسد که این رأی به جهت زیر واجد ایراد بوده و در صورت صلاحدید قابل اعتراض است: بر اساس قسمت اخیر بخشنامه مورد شکایت مقرر شده است که:

«... بدیهی است در مواردی که مالیات و عوارض مالیات بر ارزش افزوده توسط پیمانکار از کارفرما وصول شده باشد، ادارات امور مالیاتی می‌بایست نسبت به مطالبه مالیات و عوارض دریافتی در صورت عدم واریز به حسابهای سازمان امور مالیاتی کشور برابر مقررات اقدام نمایند». وضع حکم مقرر در این قسمت از بخشنامه مزبور مغایر با حکم مقرر در بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ است. زیرا بر اساس بند قانونی مذکور خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق موضوع قانون مالیاتهای مستقیم از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به موجب رأی شماره ۳۴۸ - ۱۳۹۷/۳/۱ خود معافیت مطلق این خدمات را چه در قالب پرداخت مستقیم و چه پرداخت غیرمستقیم حقوق از مالیات بر ارزش افزوده تأیید کرده است. ولی همچنان که ملاحظه می‌فرمایید در بخشنامه مورد شکایت علی‌رغم ممنوعیت دریافت مالیات بر ارزش افزوده از خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق، این حکم مقرر شده است که چنانچه مالیات و عوارض مالیات بر ارزش افزوده توسط پیمانکار از کارفرما وصول شده باشد، ادارات امور مالیاتی باید نسبت به مطالبه مالیات و عوارض ارزش افزوده اقدام نمایند که این حکم صراحتاً مغایر با بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده است. بنا به مراتب فوق و با توجه به مغایرت رأی شماره ۲۱۰/۹۸/۹۸ - ۱۴۰۰/۹/۹ - ۱۴۰۰/۸/۹ هیأت تخصصی مالیاتی، بانکی با حکم مقرر در بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده اعتراض نسبت به رأی مذکور پیشنهاد می‌گردد.»

در اجرای بند (ب) ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، اعتراض رئیس دیوان عدالت اداری در هیأت تخصصی مالیاتی و بانکی دیوان عدالت اداری مورد بررسی و پس از اظهارنظر آن هیأت، در دستورکار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و

شماره ۰۰۰۰۳۶۵ - ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۹/۹ - ۱۴۰۰/۸/۲۸ الی ۱۴۰۰/۹/۹ - ۱۴۰۰/۸/۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با موضوع: «نامه شماره ۱۰۹/۸۴۶۱ - ۱۰۹/۸۴۶۱ ص پ - ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ رئیس واحد کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی که ملاک محاسبه مزایای پایان کار را مزد مینا یا ثابت اعلام کرده ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - بدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۳۳ - ۲۸۳۳ - ۲۸۳۳

شماره پرونده: ۰۰۰۱۱۲۹ - ۰۰۰۱۰۲۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقابان سیدمجتبی حسینی و عیسی آل خمیسی و عبدالساده غبیشاوی

۱۳۹۸/۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز بر این امر تأکید شده است که: «حقوق مبنا و ثابت تعریف شده در تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۳۶ قانون کار، صرفاً ناظر بر کارگاه‌های دارای طرح طبقه‌بندی مشاغل و فاقد طرح و اجرای آن بوده... و ارتباطی به تعریف حقوق و مزد موضوع مبنای احتساب حق سنوات براساس مواد فوق‌الذکر ندارد.» بنا به مراتب فوق، نامه شماره ۱۰۹/۸۴۶۱ - ۲۴ص پ - ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ رئیس واحد کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی که ملاک محاسبه مزایای پایان کار را مزد مبنا یا ثابت اعلام کرده، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۰۰۰۱۴۴۱ ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۸۳۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با موضوع: «حکم مقرر در نامه شماره ۶۹۱۹۰۴ - ۱۳۹۵/۶/۲ رئیس امور مدیریت مشاغل و دبیرخانه شوراها در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که براساس آن رزمندگان و آزادگانی که سه سال تمام به صورت متوالی و یا متناوب سابقه حضور در جبهه یا اسارت داشته باشند مجاز به استفاده از مأموریت آموزشی هستند ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۳۵ شماره پرونده: ۰۰۰۱۴۴۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سجاد کریمی پاشاکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۶۹۱۹۰۴ - ۱۳۹۵/۶/۲ رئیس امور

مدیریت مشاغل و دبیرخانه شورای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۶۹۱۹۰۴ - ۱۳۹۵/۶/۲

رئیس امور مدیریت مشاغل و دبیرخانه شورای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" به استحضار می‌رساند نظر به اینکه مقرر مذکور مستندی برای دستگاه‌های اجرایی از جمله وزارت کشور برای اعطای مأموریت آموزشی به رزمندگان موصوف قرار گرفت. لذا به شرح دلایل بعدالذکر این استدلال برخلاف قانون و نیز خارج از حدود اختیارات و تکالیف طرف شکایت می‌باشد.

۱- تبصره ۲ قانون ممنوعیت ادامه تحصیل کارمندان دولت در ساعات اداری مصوب ۱۳۷۲ عنوان داشته است: «تبصره ۲- جانبازان ۵۰٪ به بالا و رزمندگان و آزادگانی که ۳ سال تمام متوالیاً یا متناوباً سابقه حضور در جبهه و اسارت داشته باشند از شمول این قانون مستثنی می‌باشند.» همان گونه که استحضار دارند قانون مذکور در خصوص تعزیر ادامه تحصیل در ساعات اداری بوده است لذا مستثنی شدن از آن فی‌النتفسه در معنای برخورداری از مأموریت آموزشی نمی‌باشد. در تبصره یاد شده نیز تجویزی بر اعطای مأموریت تحصیلی مشمولین دیده نمی‌شود و صرفاً جانبازان آن هم ناشی از جواز ماده ۱۴ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۸ و نیز ماده ۱۲ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان مصوب ۱۳۷۴ از مزایای مأموریت آموزشی برخوردار شده‌اند. لذا چون که امر به اعطای مأموریت آموزشی و تعیین کیفیت آن از شئون مقنن است و همچنین در امور مربوط به تبعیضات مثبت و رواج تفسیر مضیق صورت می‌پذیرد لذا فقدان تصریح به اعطای مأموریت آموزشی به رزمندگان و آزادگان در این قانون و در قوانین قبلی و بعدی، مبین فقدان جواز قانونی در امر مذکور بوده که طرف شکایت برخلاف آن و مستند به تبصره ۲ قانون ممنوعیت ادامه تحصیل کارمندان دولت در ساعات اداری مصوب ۱۳۷۲ امر به اعطای مأموریت آموزشی برای رزمندگان صادر نموده است.

۲- اگر مقنن اراده اعطای مأموریت آموزشی به رزمندگان را داشت یا صراحتاً جواز آن را تعیین می‌نمود و نیز تشریفات آن را مشابه مواد گفته شده در بند ۱ این دادخواست وضع می‌کرد و یا همانند حکم بند (ز) ماده ۸۸ قانون برنامه ششم توسعه در خصوص

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۱۰۹/۸۴۶۱ - ۲۴ص پ - ۱۳۹۹/۲/۱۷ رئیس واحد کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی که ملاک محاسبه مزایای پایانکار را مزد مبنا یا ثابت اعلام کرده

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه‌ای ابطال نامه شماره ۱۰۹/۸۴۶۱ - ۲۴ص پ - ۱۳۹۹/۲/۱۷ رئیس واحد کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی که ملاک محاسبه مزایای پایانکار را مزد مبنا یا ثابت اعلام کرده خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده‌اند که:

" ۱- مطابق آرای هیأت عمومی به شماره ۱۸۶ - ۱۳۹۸/۲/۱۷ - ۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹، مبنای محاسبه حق سنوات، همه عناوین مقرر در مواد ۳۴ و ۳۵ قانون کار (و نه صرفاً مزد مبنا یا ثابت) می‌باشد و مبنای محاسبه حق سنوات در کارگاه‌های فاقد یا دارای طرح طبقه‌بندی به طور یکسان و مطلق آخرین حقوق و مزد مندرج در مواد ۲۴، ۲۷، ۳۱ و ۳۵ قانون کار اعلام شده است.

۲- در رأی هیأت تخصصی کار، بیمه و تأمین اجتماعی به شماره ۸۹۹ - ۱۳۹۹/۸/۵ نیز این موضوع مورد تأیید قرار گرفته و صرفاً از واژه مطلق «مزد یا حقوق» استفاده شده است که کلمه‌ای عام می‌باشد. اما واحد کار و اشتغال نیروی انسانی منطقه ویژه، از دادنامه مذکور برداشت غلطی نموده است.

۳- در آرای هیأت عمومی فوق‌الذکر و همچنین رأی هیأت تخصصی مذکور، هیچ تفاوتی بین کارگران شاغل در کارگاه‌هایی که فاقد یا دارای طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند، بیان نشده است و تمایزی که در مصوبه مورد شکایت در نظر گرفته شده است، مخالف با آرای یادشده می‌باشد. لذا از قضات دیوان عدالت اداری خواهشمند است در جهت جلوگیری از تضییع حقوق کارگران شاغل در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی تقاضای ابطال نامه مورد شکایت را دارم."

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" مدیران عامل شرکت‌های مستقر در سطح منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی

موضوع: مزایای پایانکار (سنوات)

«احتراماً، پیرو نامه شماره ۱۰۹/۲۳۲۲ - ۲۴ص پ - ۱۳۹۹/۴/۲۵ در خصوص نحوه و چگونگی محاسبه مزایای پایان کار و در راستای یکسان‌سازی و هماهنگی پرداخت در سطح منطقه به آگاهی می‌رساند: بر اساس دادنامه شماره ۱۰۸۹۹ - ۱۳۹۹/۸/۵ هیأت تخصصی کار، بیمه و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری و از تاریخ ابلاغ آن، ملاک محاسبه حق سنوات پایان کار در شرکت‌هایی که طرح طبقه‌بندی مشاغل را در سطح منطقه اجرا نموده‌اند، مزد مبنا و در سایر شرکت‌های فاقد طرح طبقه‌بندی مشاغل، مزد ثابت شامل مجموع مزد شغل و مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل کارگران می‌باشد. ضمناً چنانچه توافقی خارج از این چارچوب مدنظر باشد، می‌بایست در قرارداد کار فی‌مابین درج شده باشد.» - رئیس واحد کار و خدمات اشتغال منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی"

در پاسخ به شکایات مذکور، رئیس واحد کار و خدمات اشتغال سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی به موجب لوایح شماره ۱۰۹/۱۹۹۳ - ۲۴ص پ - ۱۴۰۰/۳/۲۳ و ۱۴۰۰/۴/۱۵ - ۲۴ص پ - ۱۴۰۰/۴/۱۵ و ۱۴۰۰/۴/۱۵ - ۲۴ص پ - ۱۴۰۰/۴/۱۵ به طور خلاصه توضیح داده است که:

" ۱- شاکی در رابطه با موضوع دادخواست، هیچ شکایتی در این اداره به ثبت نرسانده است؛ لذا سوابقی از نامبرده در این خصوص جهت ارسال موجود نمی‌باشد.

۲- طبق شرح دادخواست، شاکی به موضوع سنوات پایان کار ایراد وارد نموده است. اما این امر صرفاً مطابق رأی هیأت تخصصی کار، بیمه و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری به شماره ۸۹۹ - ۱۳۹۹/۸/۵ که مزد را مبنای محاسبه سنوات پایان کار قلمداد کرده (تفاوت مزد با حق‌السعی)، ابلاغ گردیده است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بر اساس ماده ۲۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹، ملاک و مبنای محاسبه حق سنوات پایان کار، مطلق مزد یا حقوق اعلام شده است و این ملاک، با مزد ثابت که در کارگاه‌های فاقد طرح طبقه‌بندی مشاغل پرداخت شده و شامل مزد شغل و مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل است و همچنین با مزد مبنا که در کارگاه‌های دارای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرداخت می‌شود، تفاوت دارد و در رأی شماره ۱۸۶ -

«فرزندان شهدا از کلیه امتیازات و مزایای مقرر در قوانین و مقررات مختلف برای شخص جانباز پنجاه درصد و بالاتر به استثنای تسهیلات خودرو، حق پرستاری، کاهش ساعت کاری و حالت اشتغال برخوردارند.» نظر به اینکه بر مبنای موازین قانونی مذکور، مأموریت آموزشی صرفاً برای جانبازان و فرزندان شهدا مجاز شمرده شده است، بنابراین حکم مقرر در نامه شماره ۶۹۱۹۰۴-۱۳۹۵/۶/۲ رئیس امور مدیریت مشاغل و دبیرخانه شوراها در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که براساس آن رزمندگان و آزادگانی که سه سال تمام به صورت متوالی و یا متناوب سابقه حضور در جبهه و یا اسارت داشته باشند، مجاز به استفاده از مأموریت آموزشی هستند، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۸۰۱۰۰۹ ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۸۳۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با موضوع: «بند ۱۵ و بند ۲۰ و تبصره‌های ۹ و ۱۰ مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - بدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۳۷ شماره پرونده: ۹۸۰۱۰۰۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی ملی با وکالت آقای محسن صادقی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱۵ و بند ۲۰ و تبصره‌های ۹ و ۱۰ مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز

گردش کار: شاکلی به موجب دادخواستی ابطال مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«شورای اسلامی شهر شیراز بنا به مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ اقدام به وضع عوارض صدور پروانه ساختمانی و هزینه خدمات ساختمانی نموده است و بر این اساس در مجموعه مصوبات محاسبه عوارض (آخرین ویرایش ۱۳۹۶/۱۲/۲۰) به مصادیق هر یک از این عوارض پرداخته شده است. از این رو این مصوبه به شهرداری شیراز اجازه اخذ عوارض نظیر عوارض حذف پارکینگ، آموزش و پرورش، عوارض صدور پروانه ساختمانی، هزینه خدمات غیرمسکونی، نوسازی مدارس، قطار شهری و عوارض تمدید پروانه بر املاک را داده است. نکته جالب اینکه کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری شیراز در ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ به استناد مصوبه شورای شهر شیراز مصوب ۱۳۹۳ شرکت موکل را به پرداخت مبالغی بابت عوارض حذف پارکینگ و مترو و... نموده است. این در حالی است که طبق تأمین دلیل صورت گرفته از شورای حل اختلاف شیراز، ملک محل نزاع دارای سابقه‌ای بیش از ۴۰ سال بوده و طبیعتاً در آن زمان مقوله مترو و حذف پارکینگ وجود نداشته است که حال کمیسیون ماده ۷۷ بخواهد با عطف بامسبق نمودن مصوبه ۱۳۹۲ وجوهی را مطالبه نماید. لذا از آنجا که مبنای اصلی رأی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری شیراز، مصوبه ۱۳۹۳ شورای شهر شیراز است و به موجب دادخواست حاضر تقاضای ابطال مصوبه به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده است و در صورت ابطال مصوبه عملاً رأی صادره از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. لذا از هیأت عمومی تقاضا می‌کنم که تا زمان صدور رأی و قطعیت یافتن آن دستور توقف اجرای رأی کمیسیون ماده ۷۷ صادر فرمایند. اما مصوبه فوق بنا به دو دسته دلیل عمومی و اختصاصی قابل ابطال به نظر می‌رسد که در ذیل به اهم این دلایل اشاره می‌گردد:

الف - دلایل عمومی: این دلایل ناظر به تمامی مصادیق ذکر شده در مصوبه مورد اشاره است و به قرار ذیل است:

۱- مغایرت آشکار مصوبه شورای شهر شیراز با برخی اصول قانون اساسی، اولاً: مطابق اصل ۵۱ قانون اساسی، اخذ هرگونه مال، وجه، کالا و خدمات از شهروندان می‌باید با تجویز قانونی باشد. اخذ عوارضی مانند حذف پارکینگ یا قطار شهری در هیچ جای

بهره‌مندی فرزندان شهید از امتیازات جانبازان بالای ۵۰ درصد حکم می‌داد، لذا از آنجا که در امور اداری اصل بر عدم اختیار است مگر به تجویز قانون و چون در قوانین هیچ تجویزی بر اعطای مأموریت و کم و کیف آن برای رزمندگان تعیین نشده، لذا طرف شکایت خارج از حدود و اختیارات خود نسبت به مداخله در امور تقنینی اقدام کرده است و به این ترتیب متجاوز از قوانین ماربلیان و ماده ۶۱ قانون مدیریت خدمات کشوری حکم به مأموریت آموزشی رزمندگان داده است. با توجه به موارد مطروحه و مغایرت‌های قانونی معنونه ابطال کل مکاتبه موضوع را خواستارم.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«برادر ارجمند جناب آقای خلیلی

مدیرکل محترم توسعه منابع انسانی - وزارت کشور

با سلام و احترام،

بازگشت به نامه شماره ۵۱۱۲۲ - ۱۳۹۵/۴/۲۹ در خصوص مأموریت آموزشی رزمندگان اعلام می‌دارد: بر اساس مفاد تبصره ۲ قانون ممنوعیت ادامه تحصیل کارمندان دولت در ساعات اداری (مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۱۴ مجلس شورای اسلامی) رزمندگان و آزادگانی که سه سال تمام به صورت متوالی و یا متناوب سابقه حضور در جبهه و یا اسارت داشته باشند، مجاز به استفاده از مأموریت آموزشی می‌باشند. - رئیس امور مدیریت مشاغل و دبیرخانه شوراها

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و مجلس سازمان اداری و استخدامی کشور به موجب لایحه شماره ۲۷۲۱۷ - ۱۴۰۰/۵/۲۴ توضیح داده است که:

«طبق مفاد ماده واحده قانون ممنوعیت ادامه تحصیل کارگزاران کشور در ساعات اداری (مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۱۴ مجلس شورای اسلامی) «از تاریخ تصویب این قانون اشتغال و ادامه به تحصیل کارگزاران شاغل در جمهوری اسلامی ایران اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه و نهادهای انقلاب اسلامی و شرکتهای تابعه دولت و کلیه مؤسساتی که به نحوی از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند در ساعات اداری روزهای کاری هفته در داخل و خارج کشور ممنوع می‌باشد... تبصره ۲ ماده واحده فوق رزمندگان دارای سه سال تمام سابقه حضور در جبهه (متوالی و یا متناوب) را از شمول این قانون مستثنی کرده و ممنوعیت موضوع ماده واحده فوق، یعنی ممنوعیت ادامه تحصیل در ساعات اداری روزهای کاری هفته را از این افراد سلب نموده است. لازم به ذکر است، سابقاً رزمندگان با دارا بودن حداقل شش ماه سابقه حضور جبهه به موجب بخشنامه شماره ۵۶۹۶۴ - ۱۳۶۸/۶/۱۵ رئیس‌جمهور وقت مجاز به بهره‌مندی از آموزشی بوده‌اند. در این راستا با عنایت به موضوع استعلام به عمل آمده و ملاحظه حکم تبصره ۲ قانون یاد شده که سلب ممنوعیت ادامه تحصیل در ساعات اداری، برای کارکنان رزمنده را دارا بودن سه سال سابقه خدمت در جبهه ملاک قرار داده، نظر شماره ۶۹۱۹۰۴ - ۱۳۹۵/۶/۲ این امور اعلام گردیده است. مفاد اعلام نظر مذکور هیچ گونه دلالتی بر مکلف بودن دستگاه‌ها به اعطای مأموریت آموزشی به رزمندگان، برخلاف احکام قانونی یا سایر مقررات مربوط ندارند و مجاز بودن رزمندگان و سایر ایثارگران به استفاده از مأموریت آموزشی منوط به وجود قوانین و مقررات می‌باشد. با عنایت به مراتب فوق تقاضای رد دادخواست را دارد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۶۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «اعزام کارمندان دستگاه‌های اجرایی از زمان تصویب این قانون برای طی دوره‌های آموزشی که منجر به اخذ مدرک دانشگاهی و یا معادل آن می‌گردد در داخل و خارج از کشور با هزینه دستگاه‌های مربوطه و استفاده از مأموریت آموزشی ممنوع می‌باشد» و هرچند بر مبنای ماده مزبور اعزام کارمندان دستگاه‌های اجرایی به مأموریت آموزشی به طور عام ممنوع اعلام شده است، ولی طبق تبصره ماده مذکور: «ایثارگران مشمول مقررات خاص خود می‌باشند» و براساس ماده ۱۲ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب سال ۱۳۷۴ مقرر شده است که: «کلیه دستگاه‌های مشمول این قانون مکلفند ضمن فراهم آوردن امکانات لازم برای آموزش‌های کوتاه‌مدت، با ادامه تحصیل جانبازانی که در استخدام دارند تا پایان تحصیلات دانشگاهی - به صورت مأموریت آموزشی تمام وقت یا نیمه وقت - موافقت نمایند» و مطابق بند «ز» ماده ۸۸ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز:

۳- عوارض صدور پروانه ساختمانی و عوارض تمدید پروانه: تکلیف عوارض نوسازی در تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ مشخص شده و مصوبه شورای شهر شیراز در این زمینه نیز خارج از حدود اختیار قانونی است. ضمن اینکه در رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۱۷۶ نیز مصوبه شورای شهر یزد در خصوص اخذ عوارض تمدید پروانه خلاف قانون تشخیص داده شد.

۴- عوارض قطار شهری: اخذ عوارض مربوط به قطار شهری نیز پیش از این توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در پرونده‌های کلاسه ۵۵۶/۹۴، ۸۵۴/۹۳ و ۱۷۳/۸۸ در دادنامه‌های شماره ۳۱۸ تا ۳۲۰ ابطال شده بود.

علی‌ای حال با عنایت به مجموع استدلالات و مستندات فوق و با توجه به بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و ماده ۹۲ همین قانون که مقرر می‌دارد: «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی، الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید». خواهشمند است بدو در خصوص تقاضای صدور دستور توقف عملیات اجرایی در خصوص اجراییه پرونده ۱۶۸۱-۹۶۰۱۳۹۶/۷/۲۳ اداره اجرای اسناد رسمی شیراز و دستور موقت نسبت به اجرای رأی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری شیراز و سپس در خصوص ابطال مصوبه مورد اعتراض رأی مقتضی صادر فرمایید.

متن مصوبه مورد شکایت به شرح زیر است:

" مصوبه عوارض صدور پروانه ساختمانی و هزینه خدمات ساختمان به شماره ۱۳۹۳/۱۱/۹ ص - ۹۳/۵۸۴۸:

۱۵- هزینه خدمات کسری فضای باز برای املاکی که دارای واحد اضافی می‌باشند به ازاء هر مترمربع کسری فضای باز bp ۲۵٪ و برای املاکی که فاقد واحد اضافه می‌باشند bp ۱۰٪ محاسبه و اخذ می‌گردد.

۲۰- جهت تمدید پروانه ساختمانی و مدت زمان اعتبار پروانه ساختمانی به استناد تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری در پروانه‌های ساختمانی که از طرف شهرداری‌ها صادر می‌شود باید حداکثر مدتی که برای پایان یافتن ساختمان ضروری است قید گردد. بنابراین مالکان می‌بایست برابر مهلت مقرر در پروانه نسبت به اتمام ساختمان و دریافت پایانکار اقدام نمایند، در غیر این صورت (مراجعه پس از مهلت مقرر و یا مراجعه جهت انجام اموری که مستلزم تمدید پروانه می‌باشد) مشمول عوارض بند ۱ و ۲ مصوبه فوق به شرح ذیل خواهند بود.

تبصره ۹: اراضی که دارای پروانه ساختمانی بوده و در حال حاضر به صورت زمین یا فنداسیون می‌باشند و مدت زمان اعتبار آن طبق بندهای (الف، ب، ج) تبصره ۸ به اتمام رسیده جهت تمدید اعتبار به نرخ و فرمول روز محاسبه و به ازای هر ماه تأخیر و مدت زمان مورد تقاضا جمعاً مشمول پرداخت ماهانه نیم درصد عوارض متعلقه حداکثر تا ۱۵٪ برای یک دوره تمدید می‌گردند.

تبصره ۱۰: ساختمان‌های دارای پروانه که مدت زمان اعتبار آن طبق بندهای (الف، ب، ج) تبصره ۸ به اتمام رسیده به ازای هر ماه تأخیر و یا مدت زمان مورد تقاضا جهت تمدید اعتبار به نرخ و فرمول روز محاسبه و مشمول پرداخت ماهانه نیم درصد عوارض متعلقه و حداکثر ۱۰٪ برای یک دوره تمدید می‌گردند.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر شیراز به موجب لایحه شماره ۱۳۹۸/۲/۱۷۶ ص - ۹۸/۶/۳۱ توضیح داده است که:

" ۱- در ابتدا شاکی تقاضای دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی شهرداری را نموده است که با توجه بر اینکه موضوع درخواست متقاضی «عدم پرداخت عوارض» می‌باشد و موضوع عوارض نمی‌تواند دلیلی بر فوریت ضرورت و تعسر ورود خسارت غیرقابل جبران به شاکی برای درخواست دستور موقت باشد مضاف بر اینکه شرکت دارای درآمد و دارایی و املاک قابل قبول می‌باشد لذا تقاضای رد درخواست شرکت مزبور را دارد.

۲- با عنایت بر اینکه شاکی تقاضای ابطال مصوبه عوارض صدور پروانه ساختمانی را نموده است لازم به توضیح است عوارض صدور پروانه ساختمانی که از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین عوارض اخذ شده توسط بلدیة و شهرداری‌ها از زمان تأسیس می‌باشد توسط آن دیوان در پرونده‌های مختلف و طی دادنامه‌های ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و ۳۰۷ - ۱۳۹۷/۲/۱۸ هیأت عمومی در موضوع پرداخت عوارض و هزینه خدمات احداث بناهای تجاری و مسکونی، تأیید و قانونی اعلام گردیده و همان

قانون تصریح نشده و شهرداری شیراز بابت عوارض مذکور در مصوبه، حق اخذ وجه از شهروندان را ندارد. ثانیاً: مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی، حکم به مجازات و تعیین جریمه صرفاً از طریق قانون ممکن است و وضع قاعده در این باب صرفاً در صلاحیت مقنن (مجلس شورای اسلامی) است. مقنن نیز در ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها مرجع تعیین مجازات بازدارنده و همچنین تعیین جریمه برای شهروندان متخلف را پیش‌بینی نموده و بر اساس این ماده صرفاً کمیسیون ماده ۱۰۰ صالح رسیدگی به این موضوع و تعیین جریمه شده است. در خصوص تعیین مجازات و اخذ جریمه بابت کسری و حذف پارکینگ نیز در تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها تعیین تکلیف گردیده و شهروندان صرفاً موظف به پرداخت جریمه تعیینی توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ می‌باشند، بنابراین هنگامی که شورای اسلامی شهرها حقی در جریمه نمودن شهروندان ندارند. علی‌القاعده نسبت به آن نیز نمی‌تواند وضع قاعده نماید و مصوبه معترض‌عنه، برخلاف اصل ۳۶ قانون اساسی تصویب گردیده است. ثالثاً: مطابق اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی همه افراد ملت در برابر قانون مساوی هستند. وقتی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای متعددی، مصوبات شوراهای اسلامی شهرهای مختلفی نظیر بابلسر، یزد، چالوس، اصفهان، شهرضا، برازجان و... را پیش از این در خصوص برخی عوارض مندرج در مصوبه شورای اسلامی شهر شیراز ابطال نموده است و این آراء نسبت به همه لازم‌الاجرا می‌باشد، وضع این عوارض در مصوبه شورای شهر شیراز و الزام مالکین مقیم این شهر به پرداخت عوارض مذکور، مغایر اصل تساوی مذکور در اصول ۱۹ و ۲۰ و بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی است زیرا اینکه شهروندان یک شهر از تادیه این عوارض معاف و شهروندان شهر دیگر ملزم به تادیه همان عوارض باشند با اصل عدالت مالیاتی منافات دارد.

۲- مغایرت آشکار مصوبه شورای شهر شیراز با برخی قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی، اولاً: مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، اخذ هرگونه مال، وجه، کالا و خدمات از شهروندان باید با تجویز قانونی باشد. بنابراین وضع و اخذ عوارض مذکور در مصوبه شورای اسلامی شهر شیراز در هیچ جای قانون تصریح نشده و شهرداری بابت عوارض مورد اعتراض، حق اخذ وجه از شهروندان را ندارد. ثانیاً: در هیچ‌یک از مواد و مقررات مربوط به اختیارات شوراهای اسلامی شهرها، اختیار وضع و اخذ عوارض مذکور در فوق پیش‌بینی نشده است بنابراین مصوبه شورای شهر شیراز خارج از حدود اختیارات قانونی این نهاد است به ویژه آن که اختیار قانونگذاری اختیاری استثنایی بوده و در مواقع تردید در وجود یا عدم وجود این اختیارات برای شوراها اصل بر عدم وجود این اختیار است و لذا اختیار وضع قانون را باید به قدر متیقن یعنی برای مراجع مصرح در قانون نظیر قوه مقننه تفسیر نمود. ثالثاً: مطابق ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ «برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون، تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است، توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد.»

۳- مغایرت مصوبه شورای اسلامی شهر شیراز با برخی قواعد مسلم فقهی، مصوبه معترض‌عنه با قواعد مسلمی مانند قاعده منع اکل به باطل یا منع دارا شدن بلاجهت و نیز با قاعده لاضرر تعارض بین و آشکار دارد.

ب- دلایل اختصاصی برای اعلام بی اعتباری عوارض مطالبه شده شهرداری شیراز:

۱- عوارض حذف پارکینگ: آرای متعددی از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال مصوبات شوراهای اسلامی شهرهای سرخه، شهرضا، اصفهان، مشهد راجع به وضع عوارض کسری یا حذف یا عدم تأمین پارکینگ صادر شده است. (از جمله آرای شماره ۱۰۸۲ تا ۱۰۸۸) و مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲: «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است.» ضمن اینکه در رأی شماره ۵۹۲ هیأت عمومی دیوان، بند ۴ مصوبه ۱۳۸۴ و ۱۳۹۱ شورای اسلامی شهر شیراز پیش از این ابطال شده بوده است. لذا شورای شهر شیراز نه تنها به آرای هیأت عمومی در خصوص شوراهای اسلامی شهرهای دیگر وقعی ننهاده است بلکه حتی آرای صادره در خصوص ابطال مصوبات شورای شهر شیراز نیز مورد عنایت این نهاد نبوده است.

۲- هزینه خدمات غیرمسکونی و عوارض نوسازی مدارس در مجموعه مصوبات محاسبه عوارض شورای اسلامی شهر شیراز، اقلام این هزینه مواردی نظیر تجاری خطی (بند ۳)، تجاری غیرخطی (بند ۴)، بالکن و انباری تجاری (بند ۵) و عوارض نوسازی مدارس (بند ۱۱) آمده است که وضع و اخذ آنها نیازمند تصریح قانونی و مصوبات قوه مقننه دارد و در صلاحیت شوراهای اسلامی نیست ضمن اینکه تکلیف عوارض نوسازی در ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ مشخص شده و مصوبه شورای شهر شیراز در این زمینه خارج از حدود اختیار قانونی است.

۸- در خصوص اعلام غیرموجه بودن عوارض کسری و حذف پارکینگ که ابطال آن مورد تقاضای وکیل شاکلی واقع گردیده به استحضار می‌رساند: مصوبه مربوط به عوارض حذف و کسری پارکینگ فارغ از مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸-۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز که تقاضای ابطال آن گردیده می‌باشد و با عنایت به اینکه در دادخواست تقدیمی به شماره مصوبه مربوط به عوارض حذف پارکینگ اشاره نگردیده و صرفاً تقاضای ابطال مصوبه ۹۳/۵۸۴۸-۱۳۹۳/۱۱/۹ گردیده که موضوع آن عوارض ساختمانی می‌باشد لذا موضوع عوارض حذف پارکینگ از بحث مطروحه خارج بوده و آن هیأت فارغ از رسیدگی بدان می‌باشد.

۹- در خصوص هزینه خدمت غیر مسکونی نیز به استحضار می‌رساند منظور از عوارض غیرمسکونی همان عوارض تجاری بوده که با توجه به تجاری بودن ملک عوارض بر اساس و میزان تجاری محاسبه می‌گردد که در مصوبه مذکور کاملاً شفاف و مشخص بیان گردیده است همچنین عوارض نوسازی نیز مستند به ماده ۲ قانون عمران و نوسازی و تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده بوده که هیچ کدام از آنها موضوع مصوبه ۹۳/۵۸۴۸-۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز نمی‌باشند.

۱۰- همچنین عوارض قطار شهری نیز دارای مصوبه جداگانه و مختص به موضوع بوده که آن نیز منصرف از مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸-۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز است و با عنایت به مراتب مطروحه در بند ۵ لایحه تقدیمی آن هیأت فارغ از رسیدگی بدان می‌باشد.

۱۱- استناد شاکلی مبنی بر غیر قانونی بودن عوارض آموزش و پرورش صحیح نمی‌باشد زیرا طبق بند ۳ ماده ۱۳ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش عوارض مزبور می‌بایست هنگام صدور پروانه ساختمانی از مردم اخذ و مستقیماً به حساب آموزش و پرورش استان واریز گردد بنابراین اخذ عوارض آموزش و پرورش تکلیف قانونی می‌باشد که شهرداری به آن عمل می‌نماید.

۱۲- ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که مورد استناد شاکلی قرار گرفته است در مواردی کاربرد دارد که مصوبه‌ای در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردد سپس شورای اسلامی شهر مغایر با رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام به تصویب مصوبه جدیدی نماید. این در حالیست که مصوبه مربوط به عوارض صدور پروانه ساختمانی شهر شیراز تاکنون از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال نگردیده است و موردی جهت استناد به ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری وجود ندارد. علی‌ایحال با عنایت به مراتب فوق و با توجه به غیرموجه بودن تقاضای شاکلی تقاضای رد درخواست مزبور را دارد.

در خصوص ادعای وکیل شاکلی مبنی بر مغایرت مصوبه مورد اعتراض با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب لایحه شماره ۱۰۲/۲۵۱۰۹-۱۴۰۰/۲/۱۸ توضیح داده است که:

"موضوع کل مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز در خصوص اخذ عوارض صدور پروانه ساختمانی و هزینه خدمات ساختمانی، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۶ فقهای شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد: وضع عوارض در صورتی که متضمن اجحاف نباشد، خلاف شرع نمی‌باشد. تشخیص قانونی بودن عوارض متعددی که در مصوبه مورد شکایت آمده است، بر عهده دیوان عدالت اداری است."

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و این هیأت به موجب دادنامه شماره ۱۱۱۷ - ۱۴۰۰/۹/۱۶ مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ به استثناء بند ۱۵ و قسمتی از بند ۲۰، تبصره ۹ و ۱۰ تحت عنوان عوارض صدور پروانه و هزینه خدمات ساختمانی در محدوده قانونی حریم شهر و حوزه استحفاظی مصوب شورای اسلامی شهر شیراز را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعی یافت.

رسیدگی به ابطال بند ۱۵ و بند ۲۰ تبصره ۹ و ۱۰ مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

طور که از عنوان مصوبه این شورا مستفاد می‌گردد مبحث مصوبه در خصوص عوارض صدور پروانه ساختمانی است و عوارض صدور پروانه ساختمانی یکی از عوارض با سابقه شهرداری است که از ابتدای تشکیل شهرداری‌ها با تصویب مراجع ذیربط اخذ و وصول گردیده و در ابتدای تشکیل شهرداری‌ها و هم اکنون که بیشتر مصوبات شوراهای اسلامی توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده ۹۰ درصد از درآمد شهرداری‌ها را به خود اختصاص داده است و در قوانین مختلف من جمله قوانین مربوط به معافیت عوارض به خانواده معظم شهدا، جانبازان و ایثارگران و مددجویان کمیته امداد و بهزیستی و افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی را از پرداخت عوارض و هزینه صدور پروانه ساختمانی معاف دانسته (مانند ماده ۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران که عوارض صدور پروانه ساختمانی تا ۱۲ مترمربع زیربنای مفید مسکونی و ۲۰ مترمربع تجاری را معاف دانسته و یا ردیف بند (ج) ماده ۸۰ قانون پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی را معاف دانسته) که تأییدی بر صلاحیت شهرداری‌ها در اخذ عوارض صدور پروانه ساختمانی می‌باشد و این شهرداری کلیه عوارض مورد ادعای شاکلی را با استناد به همین قوانین و به عنوان عوارض صدور پروانه معاف می‌نماید و همچنین در سنوات مختلف نیز طی بخشنامه‌های مختلف دولت و وزارت کشور عوارض صدور پروانه ساختمانی به شهرداری‌ها ابلاغ و از طرف شهرداری‌ها وصول گردیده است. مضاف بر اینکه در زمان رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۷۵/۹۵ (موضوع دادنامه ۳۰۷ - ۱۳۹۷/۲/۱۸) و پرونده کلاسه ۹۶۰۱۴۸۸ نظر هیأت تخصصی عمران، شهرسازی و اسناد دیوان عدالت اداری نیز اخذ گردیده و در بند یک رأی هیأت تخصصی صراحتاً اخذ عوارض و بهای خدمات پروانه ساختمانی را به همراه جرایم مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات ندانسته‌اند.

۳- از ابتدای سال ۱۳۹۸ ملاک عمل شهرداری در مطالبه و محاسبه عوارض ساختمانی مصوبه مورد تقاضای شاکلی نبوده بلکه مصوبه شماره ۹۷/۴۳۲۸ - ۱۳۹۷/۱۱/۲ شورای اسلامی شهر شیراز بوده که به موجب آن مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸-۱۳۹۳/۱۱/۹ نسخ و عملاً سالبه به انتفاء موضوع است که ملاک عمل شهرداری نمی‌باشد لیکن در پاسخ موارد مطروحه مراتب ذیل را به استحضار می‌رساند.

۴- همان گونه که در متن دادخواست تقدیمی نیز اشعار گردیده سابقاً موضوع اعتراض به عوارض ساختمانی شرکت سرمایه گذاری گروه صنعتی کفش ملی در کمیسیون ماده ۷۷ مطرح و آن کمیسیون مبادرت به صدور رأی شماره ۱۱۴/۷۷-۱۳۹۵/۱۱/۲۵ به نفع شهرداری نموده که به موجب آن شرکت موصوف محکوم به پرداخت مبلغ ۹/۴۴۳/۶۷۵/۲۷۵ ریال گردیده که پس از اعتراض در شعبه نهم (هفتم سابق) دیوان عدالت اداری رسیدگی و منجر به صدور دادنامه شماره ۷۰۲۳۶۹ - ۹۷۰۹۹۷۰۹ مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۶ به نفع شهرداری گردیده است.

۵- ابتدای لایحه تقدیمی وکیل شاکلی اعلام نموده که اخذ هرگونه مال، وجه، کالا و خدمات از شهروندان می‌بایست با تجویز قانونی باشد که در این خصوص به استحضار می‌رساند: مصوبه فوق‌الاشاره راجع به عوارض ساختمانی مختلف بوده که مستند به تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و بند ۱۶ ماده ۸۰ اصلاحی قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و بند (ب) ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسیده و پس از طی مراحل قانونی و عدم اعتراض و اعلان عمومی لازم‌الاجرا گردیده است لذا برخلاف ادعای وکیل شاکلی مبنی بر خلاف قانون بودن، مصوبه مزبور کاملاً وفق مقررات قانونی تصویب و مقرر گردیده است.

۶- تصویر مصوبات ابطال شده توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که وکیل شاکلی ضمیمه دادخواست نموده کاملاً منصرف از موضوع بوده و هیچ کدام از آراء یاد شده تفسیری به موضوع مصوبه شورای اسلامی شهر شیراز ندارد.

۷- با عنایت به دادنامه شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که اشعار می‌دارد «جرایم مندرج در تبصره‌های ماده صد قانون شهرداری در واقع و نفس الامر به منزله مجازات تخلفات ساختمانی مورد نظر مقنن بوده و انواع مختلف عوارض قانونی در حقیقت از نوع حقوق دیوان ناشی از اعمال مجاز محسوب می‌شود.» لذا همان گونه که ملاحظه می‌فرمایند جریمه با عوارض دو مقوله متفاوت از یکدیگر بوده و بدین ترتیب اساساً کلیه ساختمان‌هایی که دارای تخلف بوده و در کمیسیون‌های ماده صد و یا محاکم قضایی ذیربط منتهی به صدور رأی می‌شوند و حکم صادره قطعیت می‌یابد مشمول پرداخت کلیه عوارض متعلقه بر اساس مقررات جاری و در زمان وصول مطالبات می‌گردند.

رأی هیأت عمومی

الف - با توجه به اینکه براساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی شماره ۱۵۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۴ این هیأت، وضع عوارض برای کسری فضای باز توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است، بنابراین اطلاق بند ۱۵ از مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب - مطابق تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷ مقرر شده است که: «در پروانه‌های ساختمانی که از طرف شهرداریها صادر می‌شود، باید حداکثر مدتی که برای پایان یافتن ساختمان ضروری است، قید گردد و کسانی که در میدانها و معابر اصلی شهر اقدام به ساختمان می‌کنند باید ظرف مدت مقرر در پروانه‌ها ساختمان خود را به اتمام برسانند و در صورتی که تا دو سال بعد از مدتی که برای اتمام بنا در پروانه قید شده باز هم ناتمام بگذارند، عوارض مقرر در این قانون به دو برابر افزایش یافته و از آن به بعد نیز اگر ساختمان همچنان ناتمام باقی بماند، برای هر دو سالی که بگذرد عوارض به دو برابر مآخذ دو سال قبل افزایش خواهد یافت تا به ۴ درصد در سال بالغ گردد. اینیه ناتمام که از طرف مقامات قضایی توقیف شده باشد، مشمول این ماده نخواهد بود.» با توجه به اینکه قانونگذار به شرح تبصره یادشده درخصوص مهلت اتمام ساختمان و ضمانت اجرای عدم رعایت آن، روش خاصی برای تعیین و اخذ عوارض تعدید پروانه ساختمانهای نیمه تمام پیش‌بینی کرده است، بنابراین تبصره‌های ۹ و ۱۰ مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ج - قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷، روش خاصی را برای تعیین و اخذ عوارض تعدید پروانه ساختمانهای نیمه تمام پیش‌بینی کرده است و در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آرای شماره ۴۱۷ - ۱۳۹۵/۷/۱۳ و شماره ۳۰۸ - ۱۳۹۷/۲/۱۸ این هیأت وضع عوارض تعدید پروانه ساختمان توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است. بنا به مراتب فوق، بند ۲۰ مصوبه شماره ۹۳/۵۸۴۸/ص - ۱۳۹۳/۱۱/۹ شورای اسلامی شهر شیراز که براساس آن در غیر این صورت (مراجعه پس از مهلت مقرر و یا مراجعه جهت اموری که مستلزم تعدید پروانه است، مؤدی مشمول عوارض بند ۱ و ۲ مصوبه فوق خواهد شد)، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۰۰۰۱۳۲۱

۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۸۴۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با موضوع: «بند ۴ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری شهر کوهسار تحت عنوان عوارض برای ارزش افزوده تغییر کاربری (پیلوت، پارکینگ و انباری) پس از ابقاء توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ و بند ۵ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری شهر کوهسار تحت عنوان ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری مصوب شورای اسلامی شهر کوهسار از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۴۰ شماره پرونده: ۰۰۰۱۳۲۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای ایمان قوامی فرد

موضوع شکایت و خواسته: ۱- ابطال بند ۴ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری شهر کوهسار تحت عنوان عوارض برای ارزش افزوده تغییر کاربری (پیلوت، پارکینگ و انباری) پس از ابقاء توسط کمیسیون ماده صد مصوب شورای اسلامی شهر کوهسار ۲-

ابطال بند ۵ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری شهر کوهسار تحت عنوان ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری مصوب شورای اسلامی شهر کوهسار

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۴ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری شهر کوهسار تحت عنوان عوارض برای ارزش افزوده تغییر کاربری (پیلوت، پارکینگ و انباری) پس از ابقاء توسط کمیسیون ماده صد و ابطال بند ۵ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری شهر کوهسار تحت عنوان ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری مصوب شورای اسلامی شهر کوهسار را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" احتراماً اینجانب ایمان قوامی فرد مستنداً به قسمت اخیر اصل ۱۷۰ قانون اساسی و نیز تبصره ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری خاطر آن مقام و قضات معظم دیوان عدالت اداری را مستحضر می‌دارم نظر به اینکه بندهای ۴ و ۵ از عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری کوهسار ترتیباً تحت عناوین «عوارض برای ارزش افزوده تغییر کاربری (پیلوت، پارکینگ و انباری) پس از ابقا توسط کمیسیون ماده صد» و «ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری» مصوب شورای اسلامی شهر کوهسار مندرج در ستون موضوع شکایت، برخلاف قانون و خارج از حدود اختیار تصویب گردیده است، بدینوسیله تقاضای ابطال آن را مشروحاً به تفصیل مرقوم ذیل الذکر می‌نمایم.

دلایل و جهات ابطال مصوبه: هرچند عوارض بعد از رأی کمیسیون ماده صد طبق آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری علاوه بر جریمه با ابقاء بنا تجویز گردیده است لکن طبق دادنامه شماره ۳۲۲ - ۱۳۹۷/۲/۲۵ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: «عوارض بعد از ابقاء بنا در کمیسیون‌های ماده صد باید به همان اندازه زمان صدور پروانه باشد که در آراء هیأت عمومی از جمله رأی شماره ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ به آن اشاره شده است. بنابراین وضع عوارض به میزان بیش از یک برابر در بخش ۱ بند ۴ از تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ شهرداری یزد از مصوبات شورای اسلامی شهر یزد مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.» همچنین دادنامه شماره ۱۹۲۲ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ نیز مبین آن است. آنچه در بند ۴ مصوبه معترض به تحت عنوان عوارض ارزش افزوده تغییر کاربری پیلوت، پارکینگ و انباری پس از ابقاء در کمیسیون ماده صد با ضرایب ۸ تا ۳۵ برابری پیش‌بینی گردیده است. اولاً: تغییر کاربری حاصل نگردیده بلکه تغییر نوع انتفاع و استفاده از اعیان است و اضافه بنایی حادث نشده تا عوارض بعد از کمیسیون که منصرف به آن است اخذ شود. لذا در مانحن فیه متعلق اخذ عوارض بعد از کمیسیون نمی‌باشد. ثانیاً: علی فرض شمول، بایستی ما به التفاوت عوارض تبدیل و مابه التفاوت فی‌المثل عوارض صدور پروانه پارکینگ و مسکونی اخذ شود که در مانحن فیه چنین نمی‌باشد. ثالثاً: با توجه به ماهیت عوارض بعد از کمیسیون که همان عوارض صدور پروانه است و استثنائاً تجویز گردیده و نباید مشمول ممنوعیت جمع جریمه گردد، لذا اعمال ضریب بر تخلفات تبدیل هر سه استفاده فوق به استفاده‌های دیگر به میزان ۸ تا ۳۵ برابری به نرخ روز که ماهیت جریمه و مجازات دارد، فاقد توجیه قانونی و مغایر با اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی است. از طرف دیگر آنچه در بند ۵ تحت عنوان عوارض ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری استفاده اعیان پیش‌بینی گردیده علاوه بر شمول دلایل و جهات فوق بر آن و اینکه ضرایب ۵ تا ۲۰ برابری فوق و عدم کسر عوارض پرداختی قبلی و ما به التفاوت، استفاده مغایر که در کمیسیون ماده صد با جریمه ابقاء گردیده به هیچ رو مبین تغییر کاربری ملک یا لزوم تغییر کاربری آن در کمیسیون ماده ۵ نبوده و علی‌الظن عدم مغایرت با اصول سه گانه و عدم ضرورت تخریب سبب ابقاء آن گردیده است و این امر مبین تجویز تغییر کاربری آن یا اخذ چند برابری ارزش منطقه‌ای ملک به نرخ روز نمی‌باشد. همچنین تغییر کاربری وفق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در صلاحیت کمیسیون ماده ۵ این قانون بوده و شورای شهر و شهرداری فاقد صلاحیت در این خصوص می‌باشند.

مع هذا نظر به مراتب معنونه و مسطوره فوق‌الذکر و با امعان نظر به اینکه مصوبات معترض به، مغایر قانون و خارج از حدود اختیار مقام واضع وضع گردیده و با وضع و اعلان عمومی آن، اخذ هر مقدار وجوه از اشخاص با ابتناء بر آن فاقد وجهت و استغنائی حقوقی است و خارج از اختیارات واضع آن است و وفق مواد ۳۰۱ و ۳۰۳ قانون مدنی، مستوجب ضمان عین و منافع می‌باشد لذا ابطال مصوبات موضوعه معنونه شورای اسلامی شهر کوهسار از تاریخ تصویب مستنداً به مواد ۱۲، ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ مورد استدعاست."

به موجب بند ۱۶ و ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و اصلاحیه‌های بعدی اختیار و اجازه تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود را به شورای اسلامی شهر داده است و بر این اساس نحوه وصول و وضع عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر به تصویب رسیده و خدش‌های بر آن وارد نمی‌باشد و به استناد ماده ۸۰ قانون مرقوم مادامی که عوارض از طرف فرمانداری مورد اعتراض قرار نگرفته و شورای حل اختلاف استان آن را تغییر نداده یا حسب ماده ۷۷ این قانون به وسیله وزیر کشور لغو و اصلاح نشده به قوت خود باقیست و قابل وصول می‌باشد. مضافاً اینکه همان گونه که مستحضرید شهرداریها مکلف به تأمین بودجه خود می‌باشند و در راستای تأمین آن باید از عوارضی که از شهروندان اخذ می‌شود استفاده شود و همچنین شهرداری از ادارات خدمات رسان می‌باشد و برای ارائه خدمات عمرانی و خدمات شهری و سایر خدمات باید از شهروندان عوارض دریافت شود تا بتوان خدمات ارائه داد. لذا برای تأمین هزینه‌های مربوطه قانونا شوراها مجاز به وضع عوارض و بهای خدمات مزبور می‌باشند. با عنایت به این امر که بند معترض‌عنه در خصوص تغییر کاربری در جایی که پیلوت تبدیل به کاربری تجاری می‌گردد عوارضی که برای این امر اختصاص داده شده وصول می‌شود عوارض آن معادل عوارض متعلقه برای صدور مجوز بناهای مشابه می‌باشد آیا اخذ این گونه عوارض خلاف قانون می‌باشد و تا جایی که مشخص و معین می‌باشد عوارض اعلام شده توسط شورای اسلامی کوهسار و به میزان عوارض معین شده برای کاربری‌های مورد استفاده می‌باشد و اعلام این موضوع خلاف و ادعای واهی می‌باشد و ابطال این بخش از عوارض مدنظر قانونگذار نمی‌باشد. نکته قابل ذکر دیگر اینکه اخذ چنین عوارضی حتی سالها قبل از تشکیل شوراهای اسلامی نیز برقرار بوده است و از مصادیق عوارض محلی می‌باشد، بنابراین اگر وضع عوارض محلی و تعرفه‌های سالیانه مصوب شوراهای شهر را غیرقانونی بدانیم اصولاً وجهی برای تأمین بودجه شهرداری باقی نمی‌ماند. مضافاً شخص معترض در اثبات ادعای خود هیچ گونه مدارک مثبت‌های مبنی بر اخذ چنین عوارضی ارائه ننموده است. در ضمن خواهان از کارآموزان وکالت می‌باشند به نظر می‌رسد که مشارالیه صلاحیت دادخواست دادن در آن مرجع عالی را ندارد. علیهذا از قضات استدعا دارد با سعه نظر و تفسیر قوانین ذکر شده به نفع عموم مردم و با صبغه عدالت خواهی نسبت به موضوع رسیدگی و حکم بر بی حقی و رد دعوی خواهان صادر نمایند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هرچند براساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۶۷ الی ۳۸۱ - ۱۳۹۷/۳/۸ این هیأت، وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از طرح‌های توسعه شهری و تغییر کاربری توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص نگردیده است، لکن طبق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان توسط کمیسیون موضوع آن ماده انجام می‌شود و تعیین عوارض ارزش افزوده برای املاک یا اراضی قبل از طرح در کمیسیون ماده ۵ یا بدون اخذ مجوز از مراجع ذیربط قانونی مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار است. بنا به مراتب فوق، بند ۴ تعرفه عوارض محلی سال ۱۴۰۰ شهرداری کوهسار که تحت عنوان عوارض برای ارزش افزوده تغییر کاربری (پیلوت، پارکینگ و انباری) پس از ابقاء توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ به تصویب رسیده و همچنین بند ۵ تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری کوهسار که تحت عنوان ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

متن مقررهای مورد شکایت به شرح زیر است:

تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری کوهسار:

" ۴) عوارض برای ارزش افزوده تغییر کاربری (پیلوت، پارکینگ و انباری) پس از ابقاء توسط کمیسیون ماده صد

$$A=K \times S \times P$$

K = تعرفه عوارض مربوط به نوع کاربری و طبقات

S = مساحت تغییر کاربری

P = قیمت منطقه‌ای عرصه

ردیف	شرح	K
۱	تغییر کاربری از پیلوت به مسکونی	۸
۲	تغییر کاربری از پیلوت به تجاری	۲۰
۳	تغییر کاربری از پیلوت به سایر کاربریها	۱۵
۴	تغییر کاربری از پارکینگ به مسکونی	۲۴
۵	تغییر کاربری از پارکینگ به تجاری	۳۵
۶	تغییر کاربری از پارکینگ به سایر کاربریها	۲۱
۷	تغییر کاربری از انباری به مسکونی	۱۶
۸	تغییر کاربری از انباری به تجاری	۲۴
۹	تغییر کاربری از انباری به سایر کاربریها	۲۰

۵) ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری:

ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری در اعیان پس از ابقا در کمیسیون ماده صد $K \times S \times P$

ارزش افزوده حاصل از تغییر کاربری = ضریب کاربریهای مربوطه * قیمت منطقه‌بندی * مترائ مساحت ضریب K از مبدأ به مقصد بر اساس فرمول ذیل لحاظ می‌گردد:

ردیف	نوع کاربری	ضریب K	ردیف	نوع کاربری	ضریب K
۱	مسکونی به تجاری	۱۷	۹	صنعتی به اداری	۱۵
۲	اداری و خدماتی به تجاری	۱۵	۱۰	سایر به تجاری	۲۰
۳	مسکونی به اداری و خدماتی	۱۳	۱۱	سایر به مسکونی	۱۵
۴	اداری و خدماتی به مسکونی	۵	۱۲	در حریم به تجاری	۲۰
۵	خدماتی به اداری	۱۳	۱۳	در حریم به اداری و خدماتی	۱۵
۶	صنعتی به مسکونی	۱۰	۱۴	در حریم به مسکونی	۱۰
۷	اداری به صنعتی	۱۰	۱۵	سایر	۸
۸	مسکونی به صنعتی	۱۲	۱۶		

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر کوهسار به موجب لایحه

شماره ۱۳/۱۴۰۰/ش - ۱۶/۵/۱۴۰۰ توضیح داده است که:

" در پاسخ ایرادات شاکی لازم به توضیح می‌باشد. بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها و قانون شوراها، به شوراهای اسلامی شهرها اجازه وضع عوارض محلی جهت تأمین بخشی از هزینه‌های شهرداری را داده است. ضمناً تعرفه عوارض و بهای خدمات این شهرداری به موجب تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ ابقا گردیده و لازم به ذکر است که قانون فوق یک قانون خاص موخر است و به موجب آن صراحتاً اختیار وضع عوارضی که در جهت رعایت مصالح و مقررات مملکتی می‌باشد و در قانون مارالذکر پیش‌بینی نشده را به شوراهای اسلامی شهر داده است، بنابراین تعرفه عوارض و بهای خدمات این شهرداری به استناد قانون و اختیارات حاصله و پس از طی مراحل قانونی به تصویب شورای اسلامی شهر رسیده و بعد از اعلام و آگهی عمومی به شهرداری جهت اجرا ابلاغ گردیده است. همچنین